روزنامه پیام ما
| سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۸۰ | دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |
www.payamema.ir

«پیام ما» از نشست «تله‌های فضایی فقر» گزارش می‌دهد

سکونتگاه‌های غیررسمی در تله فقر دانش

۷

سرخدار در زمین غریب

«پیام ما» پروژه واگذاری پنج هکتار از منابع طبیعی فارس برای کاشت گونه‌ای هیرکانی را بررسی می‌کند

۶

سوءمدیریت، جنگ و تورم موجب شد

گردشگری در اغما

۳

یک ربع قرن پس از شروع پروژه بین‌المللی حفاظت از یوز آسیایی و ۱۹ سال پس از انتخاب نهم شهریور به‌عنوان روز ملی یوز، چه چالش‌هایی برای بقای این گونه وجود دارد؟

گره‌های حفاظت از یوز

حفاظت وقتی فقط یک چشم دارد
| امیرحسین خالقی | حافظتگر |

مرزهای حفاظت
| حامد ابوالقاسمی | حافظتگر |

سرنوشت یوزپلنگ در شکاف میان توسعه و حفاظت
| علی رنجبران | حافظتگر |

در سایه اختلافات درون خانوادگی
کمتر کسی صدای انقراض یوز را می‌شنود
| سعید یوسف‌پور | مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان |

سه عامل به‌نتیجه‌نرسیدن حفاظت از یوز
| محمدصادق فرهادی‌نیا | استاد دانشگاه کنت |

حفاظت با چشمان بسته
| باقر نظامی | مدیر ملی پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی |

هنوز وخامت وضعیت را باور نکرده‌ایم
| علی شمس | مدیر مرکز تکثیر و بازپروری یوزپلنگ آسیایی |

۴و۵

| یادداشت |

ال‌نینو و جنگ اقتصادی

| داریوش یاراحمدی |
| عضو هیئت‌علمی دانشگاه لرستان |

سال ۲۰۲۲، وقتی جنگ اوکراین بازار انرژی اروپا را به هم ریخت، یک عبارت بارها در فضای سیاسی ایران تکرار شد: «زمستان سخت اروپا».

تصور ساده بود؛ روسیه گاز را محدود می‌کند، سرمای زمستان می‌رسد، مصرف بالا می‌رود، ذخایر کاهش می‌یابد و اروپا برای تأمین انرژی تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرد. اما در این محاسبه، یک بازیگر مهم کمتر دیده می‌شد؛ بازیگری که نه پشت میز مذاکره می‌نشیند و نه تحریم می‌شود: اقلیم.

زمستان ۲۰۲۲–۲۰۲۳ اروپا آن‌طور که انتظار می‌رفت، سخت نشد. هوا ملایم بود، نیاز به گرمایش کاهش یافت و همین چند درجه اختلاف دما، بخشی از فشار بازار گاز را خنثی کرد. طبیعت نشان داد که گاهی می‌تواند محاسبات سیاسی را هم تغییر دهد. حالا دوباره ممکن است همان بازیگر وارد میدان شود؛ این‌بار از هزاران کیلومتر دورتر، از آب‌های گرم اقیانوس آرام.

ال‌نینوی ۲۰۲۶–۲۰۲۷ شکل گرفته و در حال تقویت است و مرکز پیش‌بینی اقلیم آمریکا، احتمال رسیدن آن به رده «بسیار قوی» در پاییز و زمستان پیش‌رو را بیش از ۹۰ درصد اعلام کرده است. چند درجه گرم‌تر شدن آب‌های استوایی اقیانوس آرام، در ظاهر اتفاقی دور است؛ اما همین تغییر می‌تواند گردش جو را در مقیاس نیمکره‌ای جابه‌جا کند؛ از بارش غرب ایران تا مصرف گاز در آمریکا.

برای ایران، نخستین مسئله بارش است. رابطه ال‌نینو با بارش ایران نه ساده است و نه قطعی. هر ال‌نینویی الزاماً ایران را پربارش نمی‌کند، اما در بسیاری از سال‌های ال‌نینویی، به‌ویژه در پاییز، احتمال شکل‌گیری شرایط مرطوب‌تر افزایش می‌یابد. ال‌نینو پاییز پرباران را تضمین نمی‌کند، اما کفه احتمال را به‌سمت بارش بیشتر سنگین‌تر می‌کند. این موضوع برای غرب و شمال‌غرب اهمیت ویژه‌ای دارد؛ جایی که کشاورزی دیم به آغاز بارش پاییزی وابسته است.

برای کشاورز، فقط مجموع بارش مهم نیست؛ نخستین بارش مؤثر، تداوم آن و رطوبت خاک هم تعیین‌کننده است. بنابراین، تقویم کشت نباید فقط بر یک تاریخ ثابت استوار باشد. پیش‌بینی فصلی، بارش واقعی، پیش‌بینی کوتاه‌مدت و رطوبت خاک باید در کنار هم دیده شوند.

اما روی دیگر ماجرا را هم نباید فراموش کرد. پربارش بودن الزاماً به‌معنای ذخیره آب بیشتر نیست. اگر بخش بزرگی از بارش در چند سامانه شدید تخلیه شود، رواناب و خطر سیلاب افزایش می‌یابد. همان پاییزی که می‌تواند برای کشاورزی فرصت باشد، ممکن است برای شهرها، رودخانه‌ها، مسیل‌ها و سدها به تهدید تبدیل شود.

اما داستان ال‌نینو در ایران تمام نمی‌شود. در آمریکای شمالی، اثر زمستانی ال‌نینو شناخته‌شده‌تر است. در بسیاری از ال‌نینوهای قوی، بخش بزرگی از شمال ایالات متحده زمستانی ملایم‌تر از معمول را تجربه می‌کند؛ یعنی نیاز کمتر به گرمایش و مصرف کمتر گاز. زمستان ال‌نینویی بسیار قوی ۲۰۱۵–۲۰۱۶ نمونه خوبی بود؛ آمریکا زمستانی گرم‌تر داشت و درجه‌روزهای گرمایش و مصرف برخی سوخت‌های گرمایشی کاهش یافت.

اروپا پیچیده‌تر است. نمی‌توان گفت چون ال‌نینو داریم، پس اروپا حتماً زمستان گرمی خواهد داشت. نوسان اطلس شمالی، گردباد قطبی، اقیانوس اطلس و استراتوسفر می‌توانند نتیجه را تغییر دهند. بااین‌حال، پیش‌بینی‌های فصلی فعلی برای بخش بزرگی از اروپا، گرایش به دمای بالاتر از حد نرمال را نشان می‌دهند. اینجاست که اقلیم وارد اقتصاد می‌شود.

در بازار انرژی، یک یا دو درجه اختلاف دمای زمستان عدد کوچکی نیست. وقتی میلیون‌ها خانه و کارخانه روزهای کمتری به گرمایش شدید نیاز داشته باشند، مصرف گاز می‌تواند به‌طور معناداری کاهش یابد. اروپا این موضوع را در زمستان ۲۰۲۲–۲۰۲۳ تجربه کرد؛ زمستانی که ملایم بودن هوا به کاهش مصرف گاز کمک کرد.

حالا تصور کنید ال‌نینوی قوی، زمستان بخش‌های پرمصرف آمریکای شمالی را ملایم‌تر کند و هم‌زمان، اروپا نیز زمستانی گرم‌تر از حد نرمال داشته باشد. در چنین شرایطی، فشار تقاضای گرمایشی در دو سوی اقیانوس اطلس کاهش می‌یابد؛ درست برخلاف سناریویی که بر سرمای شدید و جهش نیاز به انرژی بنا شده باشد.

البته این به‌معنای سقوط قیمت نفت نیست. نفت بیشتر تابع رشد اقتصاد جهانی، عرضه، سیاست اوپک‌پلاس، تحریم‌ها و جنگ‌هاست. اما در بازار گاز و سوخت‌های گرمایشی، دمای زمستان مستقیم وارد معادله می‌شود. از این منظر، ال‌نینوی پیش‌رو برای ایران دو چهره دارد: در داخل، افزایش احتمال بارش پاییزی و فرصتی برای کشاورزی دیم، همراه با خطر بارش‌های شدید و سیلاب؛ و در خارج، احتمال کاهش بخشی از فشار تقاضای انرژی در آمریکا و اروپا.

ال‌نینو نه نتیجه مذاکرات را تعیین می‌کند و نه قیمت انرژی را؛ اما می‌تواند یکی از متغیرهایی را تغییر دهد که سیاست‌مداران معمولاً کمتر به آن توجه می‌کنند: هوا. گاهی در یک جنگ اقتصادی، همه بازیگران پشت میز مذاکره نمی‌نشینند.

| یادداشت |

خیرِ بیرون، بی‌عدالتیِ درون

مسئولیت اجتماعی ویترین نیست؛ آینه است

| نازیلا حقیقتی |
| مشاور مسئولیت اجتماعی شرکتی |

مدتی است هر جا صحبت از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌شود، بیشتر از آنکه به خود مفهوم فکر کنم، به دو سؤال می‌اندیشم:

آیا ما واقعاً مسئولیت اجتماعی را فهمیده‌ایم یا فقط یاد گرفته‌ایم درباره آن خوب حرف بزنیم؟ و مهم‌تر: آیا شرکت‌ها واقعاً مسئولیت اجتماعی را پذیرفته‌اند یا فقط یاد گرفته‌اند چگونه مسئولیت‌پذیر به نظر برسند؟

سؤال تلخی است، اما به گمانم باید آن را جدی گرفت. مسئولیت اجتماعی، پیش از آنکه گزارش، شاخص، پروژه یا حتی بودجه‌ای باشد که هر سال برایش کنار می‌گذاریم، یک مسئله اخلاقی است. شاید حتی ساده‌تر از این‌ها باشد: وقتی قرار است یک تصمیم سازمانی بگیریم، فقط نپرسیم «آیا قانونی است؟»؛ بپرسیم: «آیا درست است؟»

فاصله همین دو سؤال، گاهی تمام فاصله میان یک سازمان مسئول و سازمانی است که فقط تصویری از مسئولیت‌پذیری خود ساخته است. به نظرم یکی از مشکلات ما در ایران همین است؛ در بخش‌هایی از مناسبات اجتماعی و سازمانی، میان چیزی که می‌گوییم و چیزی که انجام می‌دهیم، فاصله افتاده است. گاهی آن‌قدر به «خوب دیده‌شدن» اهمیت می‌دهیم که خودِ «خوب‌بودن» فراموش می‌شود. این فرهنگ وقتی وارد سازمان می‌شود، شکل خطرناک‌تری پیدا می‌کند: ریاکاری سازمانی.

ممکن است یک شرکت در شرایط بحران، صدها نفر از کارکنانش را اخراج کند؛ کارکنانی که سال‌ها برای همان شرکت کار کرده‌اند و بخشی از ارزش و سودی را ساخته‌اند که امروز شرکت از آن برخوردار است. ممکن است شرکتی بورسی باشد، فعالیتش متوقف نشده باشد، بازارش همچنان فعال باشد و توان اقتصادی داشته باشد؛ اما نخستین راه‌حلش برای عبور از بحران، حذف نیروی انسانی باشد. ممکن است یک پلتفرم یا کسب‌وکار اینترنتی که خدماتش همچنان مورد نیاز مردم است، در همان شرایطی که تقاضا برای خدماتش وجود دارد، دست به تعدیل گسترده بزند.

یا ممکن است یک هلدینگ بزرگ انرژی که پروژه‌هایش فعال است و چرخه اقتصادی آن همچنان می‌چرخد، تصمیم بگیرد بخشی از نیروی انسانی خود را کنار بگذارد. البته تعدیل نیرو همیشه به‌معنای بی‌اخلاقی نیست. اقتصاد پیچیده است و گاهی یک بنگاه واقعاً چاره‌ای جز کاهش هزینه‌ها ندارد. مسئله فقط اخراج نیست؛ مسئله نحوه رفتار با انسانی است که قرار است از سازمان خارج شود.

اگر از او تعهد می‌گیریم که درباره تجربه‌اش حرف نزند؛ اگر به او می‌فهمانیم که اعتراض یا انتقاد ممکن است در استعلام‌های شغلی آینده علیه او استفاده شود؛ اگر پس از سال‌ها کار، او را نه به‌عنوان یک انسان، بلکه همچون عددی در جدول هزینه‌ها می‌بینیم، دیگر نمی‌توانیم فقط از «تصمیم اقتصادی» حرف بزنیم. اینجا پای اخلاق در میان است. درست در همین نقطه، سؤال مسئولیت اجتماعی آغاز می‌شود. چگونه می‌توان از کرامت انسان حرف زد و در نزدیک‌ترین رابطه انسانی سازمان، یعنی رابطه با کارکنان، کرامت را نادیده گرفت؟ چگونه می‌توان از تاب‌آوری جامعه گفت، اما خانواده‌ای را ندید که با اخراج ناگهانی نان‌آورش دچار بحران شده است؟

چگونه می‌توان از ذی‌نفعان حرف زد و کارکنان را فقط تا زمانی ذی‌نفع دانست که برای شرکت ارزش اقتصادی ایجاد می‌کنند؟

تناقض وقتی آشکارتر می‌شود که همان سازمان چند ماه بعد، صدها میلیارد تومان برای مسئولیت اجتماعی هزینه کند؛ مدرسه بسازد، بیمارستان تجهیز کند، بسته معیشتی توزیع کند، پویش راه بیندازد، مراسم برگزار کند و گزارش‌های زیبا منتشر کند. هیچ‌کدام از این کارها بد نیست. اتفاقاً بسیاری از آن‌ها لازم و ارزشمندند. اما هیچ‌کدام جای مسئولیت‌پذیری در قبال کارکنان را نمی‌گیرد. اگر شرکتی هزاران بسته ارزاق میان آسیب‌دیدگان جنگ توزیع کند، کار ارزشمندی انجام داده است. اما اگر همان شرکت، هم‌زمان، انسان‌هایی را که سال‌ها برای ساختن آن تلاش کرده‌اند، بدون رعایت کرامت و توجه به آینده‌شان کنار بگذارد، نمی‌توان میزان مسئولیت‌پذیری آن را با تعداد بسته‌های توزیع‌شده سنجید.

اینجاست که باید میان خیریه و مسئولیت اجتماعی تفاوت گذاشت. خیریه می‌تواند یک کار خوب باشد. اما مسئولیت اجتماعی یعنی خودِ شیوه اداره کسب‌وکار هم مسئولانه باشد. شاید یکی از اشتباهات ما این باشد که مسئولیت اجتماعی را به یک «سطل بزرگ» تبدیل کرده‌ایم؛ هر کاری که دلمان می‌خواهد، داخل آن می‌اندازیم و بعد نامش را مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌گذاریم. یک روز مدرسه می‌سازیم، یک روز بسته توزیع می‌کنیم، یک روز درخت می‌کاریم و روز دیگر پویش راه می‌اندازیم.

اما کمتر می‌پرسیم: درون همین سازمان چه می‌گذرد؟

گاهی مسئولیت اجتماعی به ابزاری برای انجام‌دادن کارهایی تبدیل می‌شود که دیده می‌شوند تا از پرداختن به کارهایی که واقعاً باید انجام شوند، فاصله بگیریم. کار خوب برای پنهان‌کردن کار درست. به گمانم این یکی از خطرناک‌ترین شکل‌های ریاکاری سازمانی است. در بسیاری از شرکت‌های پیشرو جهان تلاش شده است مسئولیت اجتماعی از سطح «رعایت قانون» فراتر برود و به بخشی از شیوه اداره کسب‌وکار تبدیل شود. قانون، حداقل رفتار پذیرفتنی را تعیین می‌کند؛ اما اخلاق از جایی آغاز می‌شود که قانون به پایان می‌رسد.

ممکن است کاری قانونی باشد، اما اخلاقی نباشد. ممکن است شرکتی حق قانونی تعدیل نیروی خود را داشته باشد، اما این سؤال همچنان باقی بماند: با چه روشی؟ با چه میزان شفافیت؟ با چه حمایتی؟ و با چه احترامی به انسانی که سال‌ها برای سازمان کار کرده است؟ اینجاست که تفاوت میان مسئولیت اجتماعی واقعی و نسخه‌نمایشی آن آشکار می‌شود. در بسیاری از شرکت‌های بزرگ دنیا، مسئولیت‌پذیری فقط به‌معنای انجام آن چیزی نیست که قانون الزام کرده است؛ بلکه به‌معنای پذیرفتن تعهداتی فراتر از حداقل‌های قانونی در قبال کارکنان، جامعه، محیط زیست و سایر ذی‌نفعان است.

اما در ایران گاهی مسیر برعکس می‌شود. به‌جای آنکه ابتدا بپرسیم «چه کاری درست است؟»، می‌پرسیم:

«چه کاری را می‌توانیم انجام دهیم که قانونی باشد، هزینه کمتری داشته باشد و دردسر کمتری ایجاد کند؟» بعد، اگر لازم باشد، برای همان تصمیم عنوانی زیبا هم پیدا می‌کنیم. این همان جایی است که فرهنگ ریا از جامعه وارد سازمان می‌شود:

وقتی ظاهرِ مسئولیت‌پذیری از خودِ مسئولیت‌پذیری مهم‌تر می‌شود. ما در سال‌های اخیر شاخص ساخته‌ایم، استاندارد آورده‌ایم، گزارش پایداری نوشته‌ایم، مفهوم «محیط زیست، مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی» را وارد ادبیات مدیریتی کرده‌ایم و درباره ذی‌نفعان و توسعه پایدار حرف زده‌ایم.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

آگهی مناقصه ۰۵/۱۱۹۴ق

شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط " خرید و نصب ۶ دستگاه سیستم توزین (BELT WEIGHER) برای واحد احیا آهن اسفنجی شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر" در محل کارخانه سیرجان اقدام نماید.

- متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت شرکت به آدرس www.gisdco.com، مراجعه نموده و از قسمت لیست مناقصات و مزایدات، آگهی مربوطه را انتخاب و سپس از طریق لینک درج شده در پایین آگهی نسبت به دانلود اسناد اقدام نمایند.

- نشانی محل تحویل مدارک:

۱- دفتر کارخانه به آدرس، کرمان، سیرجان،کیلومتر ۵۰ جاده شیراز، کیلومتر ۵ جاده اختصاصی، شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر، دبیرخانه کمیسیون معاملات - تلفن ۳۱۲۹۴۰۷۶ - ۰۳۴ .

۲- دفتر تهران به آدرس، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم غربی، پلاک ۲۲، کد پستی ۱۵۱۶۶۴۶۱۱۱- تلفن: ۴-۸۸۱۹۷۶۷۰-۰۲۱ نمابر: ۸۸۱۹۹۴۰۳-۰۲۱ .

- مناقصه گران می بایست پاکت "الف"، "ب" و " ج "را شامل ضمانت نامه، پیشنهاد فنی و مالی در زمان و محل مقرر تحویل نمایند.

- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۰۳۴۳۱۲۹۴۰۷۶ و یا شماره تلفن ۰۹۱۳۱۷۸۷۰۴۷ بنام آقای حیدری نسب در روزهای شنبه الی چهارشنبه در ساعات اداری ۰۷:۳۰ الی ۱۵:۳۰ تماس حاصل فرمایید.

- بازدید از سایت پروژه الزامی می‌باشد، لذا جهت بازدید از محل پروژه با آقای حیدری نسب با شماره فوق تماس حاصل فرمایید. همچنین پاسخ سوالات فنی مناقصه گران که از طریق فرم TCL موجود در اسناد فنی منضم به آدرس ایمیل a.heidari@gisdco.ir و یا از طریق پیام‌رسان های داخلی ارسال شده، در سایت بارگذاری خواهد شد.

- آخرین مهلت ارسال مدارک: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر
GOLGOHAR IRON & STEEL DEVELOPMENT CO.
دبیرخانه کمیسیون معاملات

REUTERS

تجربه بحران‌های مختلف، طولانی و پیچیده، جوامع را در خطر فرسودگی قرار می‌دهد

تاب‌آوری اجتماعی در بحران‌های پیچیده

جامعه‌ای که با بحران‌های طولانی و پی‌درپی مواجه می‌شود، بیش از هر زمان دیگری به سرمایه اجتماعی نیاز دارد. تاب‌آوری در چنین شرایطی تنها به توان فرد برای عبور از مشکلات محدود نمی‌شود، بلکه به کیفیت رابطه میان افراد، میزان اعتماد و ظرفیت جامعه برای حمایت از اعضای خود وابسته است.

| آرزو دهقانی |
| دکترای سلامت در بلایا |

جنگ‌های طولانی‌مدت فشارهای اقتصادی مزمن، ناامنی‌های پیوسته و آشفتگی‌های اطلاعاتی نه‌تنها زیرساخت‌های مادی را نشانه می‌گیرند بلکه ابعاد روانی و اجتماعی جامعه را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهند

چندین ماه از پایان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران می‌گذرد؛ بحرانی که تمامی مردم ایران را تحت‌تأثیر قرار داد و هنوز تبعات آن دامن برخی افراد را رها نکرده است. این بحران در حالی رخ داد که پیش از آن، مردم ایران دو بحران جنگ دوازده‌روزه و وقایع دی‌ماه را تجربه کرده بودند. هم‌زمان با این بحران‌ها، وضعیت اقتصادی نیز معیشت بسیاری از مردم را دشوار و عملاً آنها را درگیر بحران‌های پیچیده و طولانی‌مدت کرده است. «آرزو دهقانی»، دکترای سلامت در بلایا، در این یادداشت بر اهمیت تاب‌آوری اجتماعی در این بحران‌ها تأکید می‌کند و راه‌حل‌هایی را پیشنهاد می‌دهد.

فرسودگی سلامت روان

بحران‌های طولانی و پیچیده تنها زیرساخت‌ها و اقتصاد را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهند، بلکه سلامت روان، روابط اجتماعی و احساس امنیت مردم را نیز فرسوده می‌کنند. در شرایطی که جامعه ایران هم‌زمان با فشارهای اقتصادی، گرانی، کاهش قدرت خرید و نگرانی‌های ناشی از تنش‌ها و تهدیدهای امنیتی روبه‌روست، تاب‌آوری دیگر صرفاً یک توانایی فردی نیست، بلکه ضرورتی جمعی به شمار می‌آید. تاب‌آوری از خود مراقبتی، حفظ سلامت جسم و روان و مدیریت آگاهانه اطلاعات آغاز می‌شود و با همدلی، حفظ ارتباطات انسانی و مشارکت اجتماعی معنا پیدا می‌کند. در چنین روزگاری، تقویت پیوندهای اجتماعی می‌تواند مهم‌ترین سرمایه جامعه برای عبور از بحران‌ها و ساختن آینده‌ای پایدارتر باشد.

در چند سال اخیر، همگان در سراسر دنیا شاهد بوده‌اند که بحران‌ها دیگر کوتاه‌مدت و مقطعی نیستند، بلکه به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. در این شرایط، مفهوم «تاب‌آوری اجتماعی» از یک واژه روان‌شناختی فراتر می‌رود و به ضرورتی جمعی و ملی بدل می‌شود. جنگ‌های طولانی‌مدت، فشارهای اقتصادی مزمن، ناامنی‌های پیوسته و آشفتگی‌های اطلاعاتی نه‌تنها زیرساخت‌های مادی را نشانه می‌گیرند، بلکه ابعاد روانی و اجتماعی جامعه را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

بحران و زیست خانواده

یکی از آثار بحران‌های طولانی‌مدت و پیچیده، آسیب‌های اقتصادی و تأثیر آنها بر زیست خانواده است. در شرایط اقتصادی سخت، ممکن است تهیه مواد مغذی دشوار شود، اما اصل «تغذیه معقول» همچنان قابل‌اجراست. به‌جای انباشت‌کردن بی‌رویه، که خود منشأ هدررفت و اضطراب بیشتر است، باید برنامه غذایی سبک، متعادل و مبتنی بر مواد غذایی فاسدنشدنی، مانند حبوبات، کنسروهای سالم، تخم‌مرغ و خشکبار، طراحی کرد. در این شرایط، بهتر است وعده‌های غذایی سبک، سالم و مغذی را در اولویت قرار داد. غلات کامل، حبوبات، کنسروهای سالم، تخم‌مرغ، گوشت، سویا و آجیل گزینه‌هایی هستند که ماندگاری و ارزش غذایی بالایی دارند. بهتر است از میوه و سبزی تازه نیز استفاده شود. باید مصرف محرک‌هایی مانند کافئین زیاد را کاهش داد. خرید به‌اندازه نیاز خانواده هم از هدررفت جلوگیری می‌کند و هم اضطراب ناشی از کمبود را کاهش می‌دهد. از پرخوری باید پرهیز کرد و غذا را متناسب با تحرک روزانه مصرف کرد.

نوشیدن آب کافی، ساده‌ترین و مؤثرترین اقدام پیشگیرانه است. باید آب آشامیدنی سالم مصرف کرد و اگر از آب معدنی استفاده می‌شود، آن را در جای خنک و دور از نور مستقیم آفتاب قرار داد.

فعالیت بدنی را نیز می‌توان در فضای امن خانه انجام داد. تنها ۲۰ تا ۳۰ دقیقه حرکات کششی یا نرمش روزانه، ترشح اندورفین را افزایش می‌دهد و اضطراب را کاهش می‌دهد. خواب کافی و منظم، همراه با تکنیک‌های آرام‌سازی مانند تنفس عمیق، گوش‌دادن به موسیقی آرام یا خواندن دعا و نیایش پیش از خواب، یکی از ارکان اصلی تاب‌آوری است. بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن باید داروهای خود را منظم مصرف کنند و در بحران‌های شدید، مراقبت‌های پیشگیرانه مانند واکسیناسیون و کنترل فشار خون را نادیده نگیرند. بهداشت فردی و محیطی نیز از ارکان پیشگیری از بیماری‌هاست. شستن دست‌ها، رعایت بهداشت قاعدگی، بهداشت دهان و دندان، تهویه هوا و پاک‌سازی فضای زندگی، کارهای ساده‌ای هستند که بار نظام درمانی را نیز کاهش می‌دهند. در بحران‌های طولانی، روان انسان بیش از جسم او در معرض فرسایش است. نوشتن روزانه احساسات یا صحبت‌کردن با فردی مورداعتماد، حس رهایی‌بخشی ایجاد می‌کند و ذهن را از افکار تکرارشونده نجات می‌دهد. محدودکردن پیگیری اخبار یکی از حیاتی‌ترین توصیه‌هاست. می‌توان روزانه حداکثر ۳۰ تا ۴۵ دقیقه، آن هم از منابع خبری معتبر، اخبار را دنبال کرد. از مطالعه اخبار منفی پیش از خواب باید پرهیز کرد، زیرا باعث اضطراب، استرس و اختلال در خواب می‌شود. اختصاص روزانه پنج تا ۱۰ دقیقه به تمرین‌های آرام‌سازی ذهن، مانند تنفس عمیق، از حملات اضطرابی پیشگیری می‌کند. برای مدیریت افکار منفی می‌توان جملات مثبت و حمایتی را تکرار کرد. به‌جای اینکه فکر کنیم «هیچ کاری درست پیش نمی‌رود»، به خودمان بگوییم: «این شرایط سخت است، اما من توانایی مدیریت بخشی از آن را دارم. من قوی هستم. این بحران هم می‌گذرد. در حال انجام بهترین کاری هستم که می‌توانم.» این بازآموزی ذهنی یکی از قوی‌ترین ابزارهای روان‌شناختی است. آشپزی کنید، فیلم ببینید، کتاب بخوانید، به کتاب صوتی گوش دهید، نقاشی کنید، ساز بزنید یا هنر جدیدی یاد بگیرید.

درگیرکردن ذهن با فعالیت‌های خوشایندی همچون کتاب‌خواندن، شنیدن موسیقی آرام، بازی با کودکان، نقاشی، نوشتن، باغبانی و آشپزی، تنها اتلاف وقت نیست، بلکه به بازیابی انرژی روانی کمک می‌کند. داشتن عادت‌های روزانه، مانند ساعت مشخص برای خواب، غذا، عبادت و مطالعه، به فرد حس ثبات و کنترل می‌دهد؛ حسی که در بحران حکم لنگر را دارد.

قاتل تاب‌آوری

تنهایی، قاتل خاموش تاب‌آوری است. در بحران‌های پیچیده، بسیاری از مردم به‌اشتباه در خود فرو می‌روند، درحالی‌که قوی‌ترین راهکار، ارتباط است. با خانواده و دوستان تماس بگیرید؛ حتی با یک پیام کوتاه حمایتی. صحبت‌کردن از احساسات، هرچند دشوار، بار روانی را تقسیم می‌کند. در کنار این، همدلی را تمرین کنیم. کمک به همسایه یا دوست، حتی در حد ارسال یک پیام یا انتقال یک منبع مفید، حس مفیدبودن را زنده می‌کند و اضطراب را کاهش می‌دهد.

اگر علائم شدید روانی مانند اختلال خواب، افکار منفی مکرر، گریه‌های بی‌دلیل یا بی‌حوصلگی طولانی‌مدت پدید آمد، دریافت کمک تخصصی را به تعویق نیندازید. مراکز خدمات جامع سلامت، خط ۴۰۳۰ وزارت بهداشت و اورژانس اجتماعی ۱۲۳ در دسترس‌اند. شاید مهم‌ترین بخش تاب‌آوری، حفظ پیوندهای اجتماعی باشد. ارتباط خود را با خانواده، دوستان و اطرافیان حفظ کنید. صحبت‌کردن درباره احساسات، فشار روانی را کاهش می‌دهد. حتی یک تماس کوتاه یا پیام حمایتی می‌تواند حس تنهایی را کم کند. همدلی و حمایت از دیگران را فراموش نکنیم. کمک به اطرافیان، هرچند کوچک، حس مفیدبودن را تقویت می‌کند و اضطراب را کاهش می‌دهد. حضور در گروه‌های حمایتی آنلاین یا محلی، تجربه‌ها و راهکارهای جدیدی در اختیار ما قرار می‌دهد. در کنار آن، باید مرزهای سالمی برای ارتباطات خود تعیین کنیم و از افرادی که دائم اطلاعات منفی یا ترسناک منتشر می‌کنند، فاصله بگیریم. مدیریت رفتار با کودکان و سالمندان نیز اولویت دارد. آنها در شرایط بحرانی به حمایت عاطفی بیشتری نیاز دارند. باید شرایط را با زبانی ساده و آرامش‌بخش برایشان توضیح دهیم و فضای امنی برای آنها فراهم کنیم. همچنین اگر منابع اطلاعاتی حمایتی و معتبر در دسترس داریم، آنها را با دیگران به اشتراک بگذاریم.

اقدام به‌موقع، مسئولیت جمعی، آینده‌نگری، عمل‌گرایی و مشارکت‌محوری فقط شعار نیستند، بلکه چارچوب رفتاری یک جامعه تاب‌آور را ترسیم می‌کنند. یعنی ما در بحران نه تماشاگرانی منفعل، بلکه بازیگران فعال سرنوشت خود هستیم. تاب‌آوری اجتماعی از تاب‌آوری فردی آغاز می‌شود، اما در فضای ارتباطات و همکاری جمعی معنا پیدا می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، هرکدام از ما هم در برابر خود و هم در برابر دیگری مسئولیم، زیرا در بحران‌های مرکب هیچ‌کس به‌تنهایی نجات پیدا نمی‌کند. مراقبت از جسم و روان، مدیریت آگاهانه اطلاعات، حفظ ارتباطات انسانی و پذیرش نقشی فعال در جامعه پیرامون، هرکدام قدم کوچکی برای آمادگی و بنایی برای فردای تاب‌آور هستند. مشارکت‌محوری یعنی باور کنیم راه خروج از این بحران مرکب با کمک و مشارکت جمعی آسان‌تر می‌شود.

| خبر |

کاهش جمعیت اتباع خارجی در کشور

«نادر یاراحمدی»، رئیس مرکز امور اتباع خارجی وزارت کشور، درباره آمار حضور اتباع در کشور گفت: «در ابتدای اقدامات ساماندهی، جمعیت اتباع خارجی ۶.۱ میلیون نفر برآورد شده بود که اکنون این رقم به کمتر از ۵ میلیون نفر کاهش یافته است. در سال گذشته، نزدیک به ۱.۸ میلیون نفر از اتباع غیرمجاز از طریق طرد یا به‌صورت خودمعرف از کشور خارج شده‌اند.»

رئیس مرکز امور اتباع خارجی وزارت کشور با اشاره به شاخص‌های کاهش حضور اتباع افزود: «جمعیت دانش‌آموزان اتباع خارجی از ۶۰۰ هزار نفر به ۳۲۰ هزار نفر رسیده و میزان مصرف اقلام اساسی و شاخص‌های خدماتی نیز کاهش چشمگیری داشته است؛ به‌طوری‌که در کلان‌شهری همچون تهران که تعداد زیادی از اتباع خارجی در آن زندگی می‌کنند، این کاهش کاملاً مشهود است.» یاراحمدی تصریح کرد: «سیاست کلان وزارت کشور، قانونی‌سازی حضور اتباع با محوریت نیروی کار است. در همین راستا، برای نخستین‌بار «طرح کارفرمایی» اجرا شده است که براساس آن، کارفرمایان می‌توانند برای تأمین نیروی کار مورد نیاز خود به ادارات کل اشتغال اتباع خارجی مراجعه کنند.» او یادآور شد: «استاندارد جهانی حضور مهاجران، ۳ درصد جمعیت هر کشور است؛ درحالی‌که در کشور ما به‌علت حضور خانوادگی اتباع، وضعیت متفاوت است. برای تمدید کارت‌های اقامت قانونی در سال جاری، شروط سخت‌گیرانه‌ای شامل الزامی‌بودن بیمه، داشتن کد ثنا برای پیگیری‌های قضایی و ثبت دقیق محل سکونت در سامانه در نظر گرفته شده است.» رئیس مرکز امور اتباع خارجی وزارت کشور تأکید کرد: «حضور اتباع در برخی مناطق استان‌ها و شهرهای کشور طبق قانون ممنوع است و سیاست ما این است که حضور مهاجران در کشور صرفاً با رویکرد تأمین نیاز بازار کار، در چارچوب‌های قانونی و تحت نظارت دقیق صورت گیرد.» یاراحمدی درباره آخرین وضعیت تشکیل «سازمان ملی مهاجرت» اظهار کرد: «با توافق مجلس شورای اسلامی و دولت، لایحه و طرح تشکیل این سازمان ترکیب و نهایی شده و پس از طی مراحل قانونی و اداری، برای تصویب نهایی به شورای نگهبان ارجاع می‌شود. هدف اصلی از ایجاد این سازمان، تمرکز تصمیم‌گیری در حوزه مهاجرت با تکیه بر پشتوانه کارشناسی قوی است.» او با اشاره به نظرسنجی ریاست‌جمهوری در سال گذشته افزود: «طبق گزارش‌های دریافتی، اقدامات دولت در حوزه ساماندهی اتباع خارجی، بیشترین میزان رضایت عمومی را در میان سایر اقدامات اجرایی به خود اختصاص داده بود؛ بااین‌وجود، ما به وضعیت فعلی بسنده نکرده‌ایم و معتقدیم با ظرفیت‌های پیش‌رو، ارتقای عملکرد ممکن است.» امهر

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حیدرعلی صفری فرزند باقر بشماره شناسنامه ۱ صادره از ابهر در ۸۸ شعیر عرصه به انضمام ششدانگ اعیانی ۲ قطعه زمین مزروعی از پلاک ۲۴ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در گوزلدره خریداری از مالک رسمی خود مالک محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
۱- پلاک ثبتی ۲۴/۲۱۸۴ بخش ۷ زنجان به مساحت ۴۶۰۶۳/۲۳ مترمربع
۲- پلاک ثبتی ۲۴/۲۱۸۵ بخش ۷ زنجان به مساحت ۲۲۹۳۴/۷ مترمربع
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۱۱

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای هیات/ اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن محمدی فرزند کاظم بشماره شناسنامه ۵۶۱ صادره از زنجان در ششدانگ یک قطعه باغ و یک باب ساختمان مسکونی از پلاک ۴۱ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در روستای دو اسب خریداری از مالک رسمی آقای کاظم محمدی فرزند یوسف محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
۱- پلاک ۴۱/۱۹۵۶۷ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۱۸۱۹/۵۹ مترمربع
۲- پلاک ۴۱/۱۹۵۶۸ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۴۱۸/۶۷ مترمربع
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۱۲

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای هیات/ اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شرکت صنعتی لایی ساز فرزند بشماره شناسنامه ۱۰۱۰۰۹۶۴۵۴۹ صادره از زنجان ششدانگ یکباب ساختمان از پلاک ۳۰ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در روستای بناب خریداری از مالک رسمی آقای ابراهیم‌خان احمدلو فرزند یعقوب محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
۱- پلاک ۳۰/۱۱۵۹ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۹۶۵/۳۲ مترمربع
۲- پلاک ۳۰/۱۱۵۸ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۶۰۹/۳۶ مترمربع
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۱۳

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۶۷۸ - ۱۴۰۵/۰۴/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفر علی میرزائی فرزند قربانعلی بشماره شناسنامه ۱۹۶ صادره از انگوران زنجان به شماره ملی ۶۱۴۹۴۷۸۱۲۲ در ششدانگ یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۱۴۵/۹۸ مترمربع پلاک ۱۴۸۲ فرعی از ۵۲۹۹ اصلی واقع در بخش یک زنجان محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
رسول رضایی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۱۴

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای هیات/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفر صحبت لو فرزند فریدون صادره از زنجان در ششدانگ ۲ قطعه زمین مزروعی از پلاک ۲ اصلی بخش ۵ زنجان واقع در قریه آقکند خریداری از مالک رسمی آقای/ مشتاقعلی صحبت لو فرزند یونس محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
۱- پلاک ۲/۷۷۱ اصلی بخش ۵ زنجان به مساحت ۹۲۷۴/۹۲ مترمربع
۲- پلاک ۲/۷۷۰ اصلی بخش ۵ زنجان به مساحت ۶۴۲۷۳/۷ متر مربع
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۷

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۸۶۰ -۱۴۰۵/۰۵/۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سهیلا میربهاء فرزند منصور بشماره ملی ۴۲۸۴۶۴۳۱۶۹ صادره از زنجان در ششدانگ یک قطعه باغ مثمر به مساحت ۸۲۲۶ مترمربع پلاک فرعی از ۴۵۷۷ اصلی واقع در بخش ۲ زنجان محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
رسول رضایی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۶

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۹۵۶۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه قربانی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۶۱۸ صادره از زنجان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۶۸۵/۳۳ مترمربع پلاک ۱۴۱۹ فرعی از ۳ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه اژدهاتو خریداری از مالک رسمی آقای ابولفضل عاشوری فرزند حاج حسین محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۴

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۸۶۱ - ۱۴۰۵/۰۵/۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم‌ها سیما، مریم و سوسن میربهاء فرزند منصور بشماره ملی ۴۲۸۴۶۳۱۹۵۰ و ۴۲۸۴۲۸۸۱۶۴ و ۴۲۸۴۱۷۰۹۷۱ صادره از زنجان در ششدانگ یک قطعه باغ مثمر (هرکدام دو دانگ) به مساحت ۷۵۰۰ مترمربع پلاک فرعی از ۴۵۷۷ اصلی واقع در بخش ۲ زنجان محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
رسول رضایی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۵

سوءمدیریت، جنگ و تورم موجب شد

گردشگری در اغما

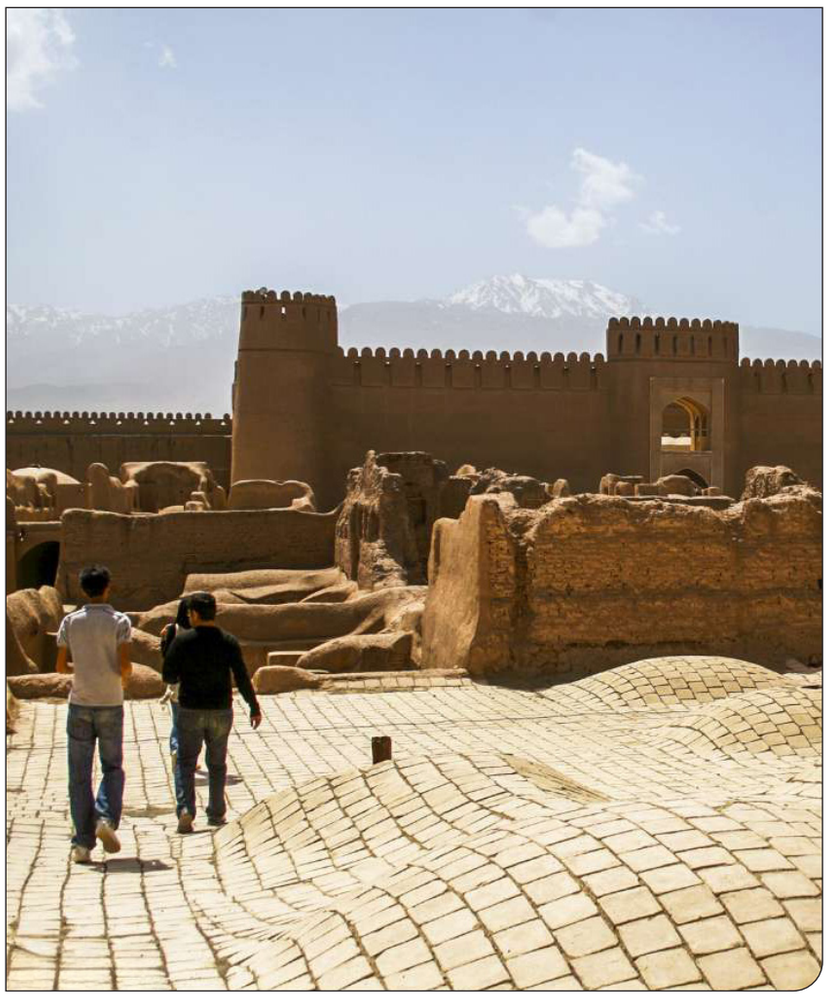

ایرنا

جنگ، دلار بیش از ۲۰۰ هزار تومانی، تورم نقطه‌به‌نقطه، موج بیکاری و اقتصادی که به قهقرا می‌رود، دیگر جایی برای سفر در سبد خانوار باقی نمی‌گذارد. شاید در شرایط بحرانی کشور این پرسش مطرح شود که اصلاً چرا باید به گردشگری پرداخت؟ پاسخ این است که گردشگری می‌توانست حتی بیشتر از نفت برایمان درآمدزایی کند؛ اگر تصویر امنی از ایران ارائه می‌دادیم، اگر تبلیغات مناسبی داشتیم، اگر از فعالان گردشگری حمایت می‌کردیم و هزاران اگر دیگر. چه درست گفت مولوی: «در اگر نتوان نشست.»

اصبا رضایی
روزنامه‌نگار

گردشگری بیشترین آسیب را دیده است

گردشگری پس از جنگ عملاً متوقف شده و هیچ نهادی، حتی معاونت گردشگری، به فکر چاره نیست.

امیرپویان رفیعی‌شاد، عضو هیئت‌مدیره دفاتر مسافرتی و زیارتی استان تهران، به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «صنعت گردشگری کشورمان از سال ۱۳۹۸ به این سو بحران‌های مختلفی را تجربه کرده و همواره در بحران‌ها و وقایع ناگواری که در کشورمان رخ داده، بیشترین آسیب را دیده است. شرایط فعلی نیز از این موضوع مستثنا نیست و جنگ اخیر آسیب بسیار زیادی به گردشگری وارد کرده است.»

او می‌افزاید: «اگرچه جنگ امسال برای تمامی اصناف آسیب‌زا بوده، این بحران برای گردشگری و صنعت گردشگری ما بسیار شدیدتر بوده است؛ چراکه فعالیت گردشگری در کشور عملاً به صفر رسید. بسیاری از صنوف دیگر، هرچند با کاهش فعالیت مواجه شدند، همچنان فعالیت روزمره خود را داشتند، درحالی‌که فعالیت صنعت گردشگری عملاً متوقف شد.»

رفیعی‌شاد می‌گوید: «در حوزه گردشگری ورودی، فعالیت ما بیشتر به کشورهای همسایه، به‌ویژه عراق، محدود شده است که درآمد قابل‌توجهی به‌همراه ندارد. گردشگری خروجی نیز با توجه به نرخ دلار بالای ۲۰۰ هزار تومان، بیشتر به افراد خاص و درصد بسیار کمی از جامعه محدود شده است.»

مردم به تور علاقه‌ای ندارند

او ادامه می‌دهد: «در زمینه گردشگری داخلی نیز وضعیت معیشتی مردم تأثیرگذار است. البته نمی‌گویم سفر داخلی نداریم، اما این سفرها از حالت تور خارج شده و مردم با وسیله شخصی و بدون ثبت‌نام در تورها به مسافرت می‌روند.»

عضو هیئت‌مدیره دفاتر مسافرتی و زیارتی استان تهران تأکید می‌کند: «وضعیت دفاتر مسافرتی بحرانی است و در وضعیتی اورژانسی به‌سر می‌بریم. اگر این وضعیت ادامه‌دار باشد، آسیب‌های بیشتری به صنف وارد می‌شود. از جنگ ۱۲روزه تاکنون شاهد کوچ شغلی بسیاری از همکارانمان بوده‌ایم.»

او می‌افزاید: «یک مسئله بسیار آسیب‌زا، وضعیت نیروی انسانی است. با توجه به اینکه همکاران قادر به پرداخت حقوق نیستند، بعضاً مجبور به تعدیل نیرو، کاهش تعداد کارکنان یا تغییر مدل قراردادهایشان می‌شوند. این وضعیت باعث شده بخش عظیمی از نیروی انسانی شاغل در حوزه گردشگری نیز آسیب ببیند و به‌سمت صنوف دیگر برود.»

رفیعی‌شاد ادامه می‌دهد: «این نیروها طی سال‌ها در حوزه گردشگری کار کرده‌اند و برای آنها هزینه و سرمایه‌گذاری شده است، اما به‌ناچار مجبور شده‌ایم بخش عظیمی از این نیروی انسانی را از دست بدهیم. بااین‌حال، تنها چیزی که داریم امید است؛ امید به آینده، امید به ایران و اینکه بتوانیم در آینده شرایط بهتری داشته باشیم.»

او تأکید می‌کند: «البته مشکلات فقط به جنگ اخیر محدود نمی‌شود. ما موانع و معضلات اقتصادی مختلفی داشته‌ایم که باعث تشدید این بحران‌ها شده‌اند. این مشکلات عرصه را برای گردشگری بسیار تنگ کرده است.»

رفیعی‌شاد می‌افزاید: «باید برای وضعیت معیشتی مردم نیز فکری شود تا سفر دوباره بتواند برای آنها یک اولویت باشد. امروز هزینه اجاره منزل، خوراک و سایر هزینه‌های زندگی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان انتظار داشت سفر در اولویت خانوار قرار بگیرد.»

او درباره تأثیر نرخ ارز بر گردشگری خروجی می‌گوید: «این موضوع بسیار تأثیرگذار است. هزینه‌های گردشگری خروجی عمدتاً براساس نرخ ارز محاسبه می‌شود. برای مثال، یک هتل ۱۰۰ دلاری برای هر شب را در نظر بگیرید؛ باید ببینیم این مبلغ با نرخ فعلی ارز چقدر هزینه دارد و در گذشته چقدر هزینه داشته است.»

او ادامه می‌دهد: «همین موضوع را در تورهای چهار، شش یا هفت‌شبه نیز می‌بینیم. افزایش نرخ ارز باعث می‌شود افزایش قیمت قابل‌توجهی به کسانی که قصد سفر دارند، تحمیل شود.»

رفیعی‌شاد یکی دیگر از مشکلات دفاتر را نحوه تسویه‌حساب با شرکت‌های کارگزار خارجی عنوان می‌کند و می‌گوید: «تسویه‌حساب همکاران ما با شرکت‌های کارگزار در خارج از ایران، غالباً به‌صورت هفتگی و براساس صورت‌حساب‌های دوره‌ای انجام می‌شود. ممکن است همکاران ما امروز فروشی را با دلار ۱۹۰ هزار تومان انجام دهند، اما هفته بعد مجبور باشند همان مبلغ را با دلار، مثلاً، ۲۰۵ هزار تومان تسویه کنند.»

او می‌افزاید: «هزینه حواله نیز به این مبلغ اضافه می‌شود. این مسئله باعث شده است علاوه بر اینکه سودی عاید دفاتر نمی‌شود، در برخی موارد متحمل زیان نیز شوند.»

رفیعی‌شاد درباره وضعیت گردشگری خروجی و تأثیر بحران نقدینگی بر سفرهای خارجی می‌گوید: «گردشگری خروجی عملاً به‌طور کامل تعطیل شده است. اقتصاد یک زنجیره است و حتی افرادی که متمول هستند و شرایط مالی خوبی دارند، اکنون با کمبود نقدینگی مواجه‌اند. کمبود نقدینگی نیز طبیعتاً باعث می‌شود همین اتفاق برای این گروه بیفتد. برای مثال، کسی که املاک و زمین دارد، اما امکان نقدکردن دارایی خود را ندارد، نمی‌تواند بخشی از زمینش را بفروشد و هزینه سفرش را تأمین کند. ما با کمبود نقدینگی و اختلال در جریان اقتصادی کشور مواجه هستیم.»

او می‌افزاید: «با بحرانی مواجه شده‌ایم که گردش مالی در کشور به حداقل رسیده است. این کاهش گردش مالی باعث می‌شود نقدینگی در دسترس مردم نباشد. حتی افرادی که از نظر مادی جایگاه و شرایط اقتصادی بهتری دارند نیز به‌دلیل دسترسی‌نداشتن به نقدینگی، ناچار می‌شوند اولویت‌هایشان را تغییر دهند و سفر را از سبد هزینه‌های خود کنار بگذارند.»

او درباره وضعیت دفاتر خدمات مسافرتی بیان می‌کند: «حجم زیادی از دفاتر درحال‌حاضر در شرایط نیمه‌تعطیل به‌سر می‌برند و توان لازم برای ادامه فعالیت عادی را ندارند. برخی از این دفاتر شاید با یک کارمند یا به‌صورت خانوادگی اداره شوند و صرفاً به این شکل تلاش کنند فعالیت خود را سرپا نگه دارند.»

رفیعی‌شاد تأکید می‌کند: «البته نمی‌توان این دفاتر را فعال و پویا دانست. عملاً فعالیت آنها نیز در حداقل ممکن قرار گرفته و نوعی تعدیل در فعالیتشان اتفاق افتاده است. تعداد این دفاتر نیز کم نیست و با حجم زیادی از دفاتر مواجه هستیم که در شرایط فعلی امکان فعالیت عادی و گسترده ندارند.»

بحران سوءمدیریت، آسیب‌زاتر از جنگ است

مشکل اصلی گردشگری، سوءمدیریت است. مشکل مهم‌تر اما این است که گردشگری از نظر مسئولان اهمیتی ندارد.

مصطفی سروی، عضو هیئت‌مدیره دفاتر مسافرتی و زیارتی استان تهران و نایب‌رئیس جامعه تورگردانان کشور، به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «گردشگری همیشه از بحران‌ها تأثیر بیشتری می‌پذیرد و آسیب به فعالان این صنف نیز بسیار سریع‌تر اتفاق می‌افتد. همین مسئله باعث می‌شود کسب‌وکار آنها خیلی زود در معرض خطر قرار بگیرد. پیش‌ازاین و در جریان جنگ ۱۲روزه نیز توصیه می‌کردیم که جنگ‌ها اجتناب‌ناپذیر و به‌نوعی تحمیلی هستند، اما باید شرایط را به‌گونه‌ای مدیریت کنیم که بتوانیم فضای کسب‌وکارها را در برابر این بحران‌ها بیمه کنیم تا فعالان اقتصادی بتوانند این دوره را پشت سر بگذارند.»

او ادامه می‌دهد: «در همان زمان پیشنهاد ایجاد صندوق‌های بحران و بیمه کسب‌وکارها مطرح شد تا در دوره رونق بازار، فعالان اقتصادی با پرداخت حق بیمه بتوانند خودشان را برای چنین شرایطی آماده کنند و در زمان بحران، از خدمات این صندوق‌ها و بیمه‌های مسئولیت استفاده کنند.»

او با اشاره به دو بحران موجود در حوزه گردشگری می‌گوید: «ما درحال‌حاضر عملاً با دو بحران مواجه هستیم. به نظر من، جنگ بحرانی اجتناب‌ناپذیر است، اما بحران دیگری داریم که قابل‌پیش‌بینی است و می‌توانیم برای آن کاری انجام دهیم و آن، بحران مدیریت است.»

سروی تأکید می‌کند: «البته در این زمینه فقط بخش دولتی را مقصر نمی‌دانم. بخش خصوصی نیز در اعلام خواسته‌های خود انسجام لازم را ندارد. فکر می‌کنم ابتدا باید اعضای بخش خصوصی کنار یکدیگر بنشینند و درباره خواسته‌ها و راهکارهای اساسی به جمع‌بندی برسند.»

او ادامه می‌دهد: «در جلساتی که با بخش دولتی برگزار می‌کنیم، معمولاً درخواست‌هایی مانند بخشودگی بیمه و مالیات مطرح می‌شود. این اقدامات، هرچند به‌صورت گذرا می‌تواند کمک‌کننده باشد، به نظر من مشکل مدیریت بحران گردشگری را حل نمی‌کند.»

سروی با اشاره به موضوع تسهیلات بانکی می‌گوید: «دریافت تسهیلات برای ما، اگر همراه با برنامه‌ریزی درست و پیش‌بینی آینده نباشد، مشکلی را حل نمی‌کند. در این صورت، خیلی زود به افرادی تبدیل می‌شویم که نه کار داریم و هم بدهکاریم؛ یعنی بدهی نیز به مشکلات موجودمان اضافه می‌شود.»

او تأکید می‌کند: «به نظر من، مدیریت کلان گردشگری باید پیش‌بینی‌های لازم را انجام می‌داد. گردشگری پیش از جنگ ۱۲روزه نیز با بحران‌های مختلفی مواجه بود و اتفاق‌هایی که در سال‌های گذشته رخ داده، همگی زنگ خطرهایی بودند که باید جدی گرفته می‌شدند، اما ما مدام به‌دنبال مسکن‌های فوری هستیم.»

سروی تأکید می‌کند: «به یک سازوکار مشخص، قانون و پیش‌بینی نیاز داریم تا بدانیم در زمان بحران باید چه کاری انجام دهیم و چه برنامه‌هایی داریم که بتوانیم به‌سرعت آنها را فعال کنیم. اینکه هر بار با وقوع یک بحران، تازه به فکر چاره بیفتیم، نمی‌تواند پاسخ مناسبی برای مدیریت صنعت گردشگری باشد.»

سروی درباره مشکلات ارتباطی دفاتر گردشگری در زمان بحران می‌گوید: «نمی‌دانیم هنگام وقوع جنگ و حوادثی از این قبیل، اینترنت به فعالان گردشگری تخصیص می‌یابد یا خیر. زمان ازسرگیری پروازها پس از چنین بحران‌هایی را نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم و راهکاری نیز برای فعالیت در جریان بحران در نظر گرفته نشده است.»

۶ هزار دفتر مسافرتی تعطیل شده‌اند

او درباره تعداد دفاتر فعال و تعطیل‌شده در کشور می‌افزاید: «تعطیلی دفاتر غالباً به‌صورت غیررسمی اتفاق افتاده و آمار رسمی و دقیقی در این زمینه وجود ندارد، اما بالاترین عددی که از سوی تشکل‌های بخش خصوصی اعلام شده، حدود ۶ هزار دفتر مسافرتی در سراسر کشور است که یا تعطیل شده‌اند یا فعالیت خود را متوقف کرده‌اند.»

سروی ادامه می‌دهد: «این تعطیلی‌ها مربوط به سال جاری است. جنگ ۱۲روزه بسیار کوتاه بود و شرایط به‌سرعت به وضعیت عادی برگشت، اما جنگ اخیر هم از نظر زمانی طولانی‌تر بود و هم شدت بیشتری داشت. از نظر اقتصادی نیز وضعیت کشور را بسیار دشوارتر و پیچیده‌تر کرد. از سوی دیگر، این جنگ با تعطیلات نوروزی هم‌زمان شد. تعطیلات عید نوروز یکی از بهترین زمان‌های فعالیت دفاتر گردشگری است و بسیاری از دفاتر از قبل برای سفرهای این دوره برنامه‌ریزی کرده بودند، اما هم‌زمانی جنگ با تعطیلات سال نو باعث شد ضربه واردشده به دفاتر سنگین‌تر باشد.»

باید از کشورهای دیگر الگوبرداری کنیم

او درباره راهکار افزایش تاب‌آوری دفاتر مسافرتی تأکید می‌کند: «ما باید از نمونه‌هایی که در دنیا اتفاق افتاده الهام بگیریم و راهکارهای آنها را متناسب با شرایط کشورمان فعال کنیم. همان‌طور که برای فوتبال، والیبال و بسیاری از حوزه‌های دیگر به کشورهای پیشرفته نگاه می‌کنیم، در حوزه گردشگری نیز باید ببینیم سایر کشورها در زمان بحران چه اقداماتی انجام داده‌اند.»

سروی می‌گوید: «برای مثال، کشوری مانند امارات ممکن است در مقطعی به‌دلیل وابستگی‌های اقتصادی خود از بحران آسیب دیده باشد، اما خیلی سریع فضایی برای حمایت از صنعت گردشگری ایجاد کرده است. تایلند نیز تجربه‌هایی در این زمینه دارد. حتی روسیه در دوره جنگ اوکراین توانست شرایطی ایجاد کند که پس از مدتی درآمد بخش گردشگری آن افزایش پیدا کرد.»

او با تأکید بر ضرورت تخصصی‌ترشدن مدیریت گردشگری می‌افزاید: «گردشگری را باید مدیرانی متخصص مدیریت کنند. مدیران فعلی نیز باید از مشاوران داخلی و خارجی و افرادی که در این حوزه تخصص دارند، اما به هر دلیل از آنها استفاده نمی‌شود، کمک بگیرند. از جوانانی که ایده‌های خوبی دارند و می‌توانند ایده‌پردازی کنند نیز باید بهره برد. همچنین باید از ظرفیت بخش دانشگاهی استفاده کنیم و از دانشگاهیان ایده بگیریم تا بتوانیم از این بحران به‌شکل درست عبور کنیم.»

صندوق حمایت از فعالان گردشگری

او درباره الگویی که می‌تواند برای حمایت از گردشگری ایران مورد استفاده قرار گیرد، می‌گوید: «اولین اقدام می‌تواند ایجاد صندوق‌های حمایت از فعالان گردشگری باشد. بسیاری از بنگاه‌های گردشگری متعلق به سازمان‌های دولتی هستند و بسیاری از مؤسسات، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی، تأسیسات گردشگری در اختیار دارند. دولت می‌تواند دستور دهد صندوقی تشکیل شود و درآمد حاصل از بخش‌های گردشگری که در اختیار بخش دولتی است، به این صندوق واریز و از محل آن از بخش خصوصی حمایت شود.»

سروی می‌افزاید: «شرکت‌های بیمه نیز باید وارد این حوزه شوند و مدل‌هایی را پیشنهاد کنند که بنگاه‌های گردشگری بتوانند بخشی از درآمد و کارکرد خود را به بیمه اختصاص دهند و در زمان وقوع بحران، از حمایت بیمه‌ها برخوردار شوند.»

مصر در بهار عربی را الگو قرار دهیم

او یکی دیگر از ضرورت‌های دوره پس از بحران را بازاریابی و تبلیغات عنوان می‌کند و می‌گوید: «باید از همین حالا بازاریابی درستی برای گردشگری انجام شود. نمونه مصر در دوره بهار عربی می‌تواند قابل‌توجه باشد. مصر در آن دوره به‌شدت تحت‌تأثیر بحران قرار گرفت و آسیب دید، اما با تبلیغات درست و به‌موقع توانست بخشی از این آسیب‌ها را کاهش دهد. ما نیز باید از این تجربه‌ها استفاده کنیم.»

رفیعی‌شاد، عضو هیئت‌مدیره دفاتر زیارتی استان تهران: وضعیت دفاتر مسافرتی بحرانی است و در وضعیتی اورژانسی به سر می‌بریم اگر این وضعیت ادامه‌دار باشد آسیب‌های بیشتری به صنف وارد می‌شود از جنگ ۱۲روزه تاکنون شاهد کوچ شغلی بسیاری از همکارانمان بوده‌ایم

سروی، نایب‌رئیس جامعه تورگردانان کشور: ما در حال حاضر عملاً با دو بحران مواجهیم به نظر من، جنگ بحرانی اجتناب‌ناپذیر است؛ اما بحران دیگری داریم که قابل‌پیش‌بینی است و می‌توانیم برای آن کاری انجام دهیم و آن بحران مدیریت است

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۹۵۶۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن احمدی فرزند حسینعلی بشماره شناسنامه ۱۴۲۳ صادره از زنجان در ششدانگ ۲ قطعه زمین مزروعی از پلاک ۱۶۶ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه مهرآباد خریداری از مالک رسمی آقای آیت احمدی فرزند رحمان محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
۱- پلاک ۱۶۶/۴۴۶ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۶۷۶/۷۲ مترمربع
۲- پلاک ۱۶۶/۴۴۵ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۱۹۳/۱۷ مترمربع
۳ - پلاک ۱۶۶/۴۴۷ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۵۱۵۲/۰۵ مترمربع
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۹

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۹۵۶۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فضائیل مولائی فرزند محرمعلی بشماره شناسنامه ۵۴۹ صادره از زنجان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۲۴/۶۱ مترمربع پلاک ۱۰۶۸ فرعی از ۱۹۴ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه یامچی خریداری از مالک رسمی آقای محرمعلی مولائی فرزند محمد رضا محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۱۰

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شمال اصفهان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۵۴۵۶ هیات سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شمال اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض مالکیت آقای عبداله مطیعی به شناسنامه شماره ۱۱۱۶ کدملی ۱۲۸۴۴۲۰۴۹۳ صادره فرزند نعمت اله نسبت به ششدانگ یک باب تعمیرگاه پلاک شماره فرعی از ۱۵۱۸۹ اصلی واقع در بخش ۵ اداره ثبت‌اسناد و املاک شمال اصفهان به مساحت ۴۸۸/۶۳ مترمربع که مالک رسمی آقای حسن صدری نیا برابر سند انتقال شماره ۲۰۱۴۵ مورخ ۱۳۵۱/۰۵/۱۰ دفترخانه ۹۸ اصفهان که مورد درخواست به‌موجب قولنامه مع‌الواسطه به متقاضی واگذار گردیده است و تعدادی از شهود آن را تایید نموده‌اند محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
حسین زمانی علویجه - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۴۷۰۱۶

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم محمود محمدی فرزند مبارکعلی به شماره شناسنامه ۴۷۴ صادره از زنجان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی و یکباب ساختمان مسکونی از پلاک ۴۲ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه پایین کوه خریداری از مالک رسمی آقای / مبارکعلی محمدی فرزند باقر محرز گردیده است .
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
۱-پلاک ثبتی ۱۰/۲۲۶۳ بخش ۷ زنجان به مساحت ۲۳۷۱/۰۳ مترمربع
۲-پلاک ثبتی ۱۰/۲۳۳۰ بخش ۷ زنجان به مساحت ۵۵۷/۷۸ مترمربع
۳-پلاک ثبتی ۱۰/۲۳۳۱ بخش ۷ زنجان به مساحت ۷۴۹۴/۸۹ مترمربع
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۱۵

نوبت دوم
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم نظامعلی اسکندری فرزند عزت بشماره شناسنامه ۴۸۳ صادره از زنجان و علی اسکندری فرزند حمید به شناسنامه ۳۵۷ در ششدانگ ۳ قطعه زمین مزروعی از پلاک ۱۰ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه دیزج بالا خریداری از مالک رسمی آقای حسن اسکندری فرزند صالح و مجید محمدی فرزند حمید محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۰۹
۱-پلاک ثبتی ۴۲/۹۷۵۳ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۷۰۶/۴ مترمربع
۲-پلاک ۴۲/۹۷۵۱ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۲۵۰ مترمربع
سعید حسنی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۱۱۶۸ م الف:۱۶

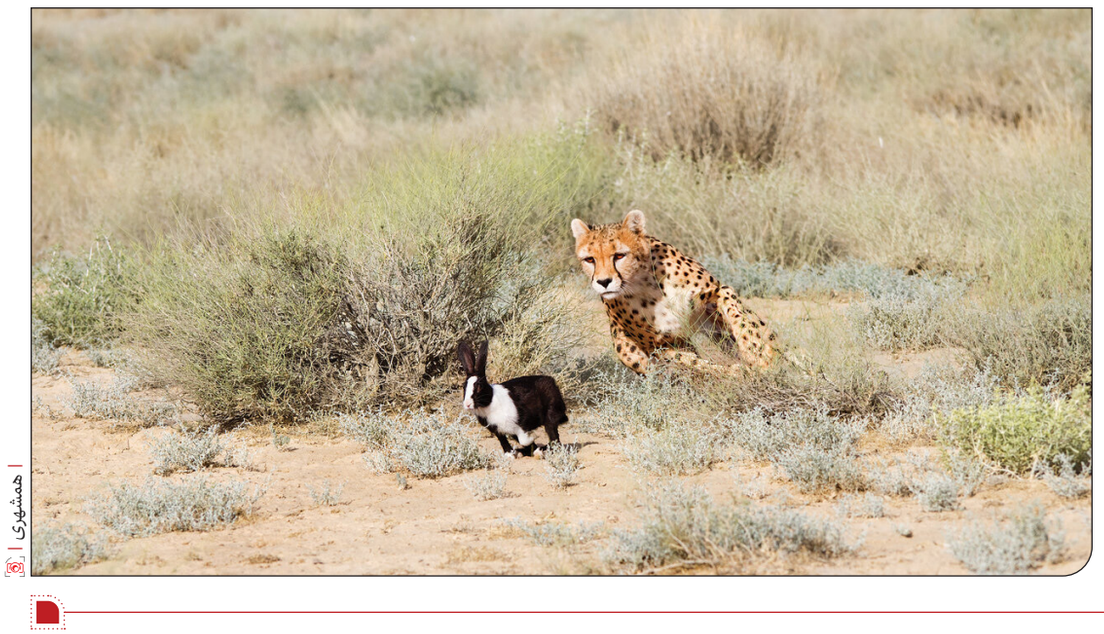

همشهری

یک ربع قرن پس از شروع پروژه بین‌المللی حفاظت از یوز آسیایی و ۱۹ سال پس از انتخاب نهم شهریور به‌عنوان «روز ملی یوز»، چه چالش‌هایی برای بقای این گونه وجود دارد؟

گره‌های حفاظت از یـــوز

امیرحسین خالقی، حفاظتگر: یوز به نظامی حفاظتی نیاز دارد که با رفتن یک فرد تغییر یک مدیر یا بسته‌شدن یک در، از کار نیفتد

| فاطمه باباخانی |
| روزنامه‌نگار |

سازمان حفاظت محیط‌زیست و جمع بزرگی از کارشناسان و حفاظتگران، ربع قرن تلاش کرده‌اند تا یوزها در طبیعت ایران باقی بمانند. اگر این تلاش‌ها نبود، شاید امروز یوزی نداشتیم که درباره شیوه‌های حفاظت از این گونه اما و اگر کنیم. اما این بدان معنا هم نیست که همه‌چیز درست و به‌موقع انجام شده یا روند طی‌شده براساس یک برنامه جامع بوده است. امسال در نهم شهریور، روز ملی یوز، سراغ بخشی از کارشناسان و مدیران محیط‌زیست درگیر در حفاظت از یوز رفتیم و از آنها خواستیم درباره چالش‌های بقای این گونه بنویسند. شاید قرار گرفتن این دیدگاه‌ها در کنار هم نشان دهد که پس از ۲۵ سال، کدام گره‌ها هنوز برای حفاظت از یوز باز نشده‌اند.

| عنوان |

حفاظت، وقتی فقط یک چشم دارد

| امیرحسین خالقی |
| حفاظتگر |

امروز شاید درباره یوز توران کمتر از گذشته بدانیم؛ نه به این دلیل که ابزارهای علمی ما کمتر شده، بلکه چون چشم‌های کمتری اجازه دارند آنجا را ببینند.

توران یکی از مهم‌ترین زیستگاه‌های یوز آسیایی در ایران است. سال‌ها پژوهشگران، دانشگاهیان و سازمان‌های غیردولتی در کنار دستگاه دولتی در این عرصه کار کرده‌اند؛ پایش کرده‌اند، داده جمع کرده‌اند، درباره تهدیدها هشدار داده‌اند و گاهی عملکرد یکدیگر را به چالش کشیده‌اند. این همکاری همیشه بی‌نقص نبوده، اما یک مزیت مهم داشت؛ حفاظت فقط یک چشم نداشت.

امروز شرایط متفاوت است. با محدود شدن امکان حضور مستقل و غیردولتی در بسیاری از عرصه‌های حساس محیط زیست، از جمله توران، بخش بزرگی از آنچه درباره وضعیت یوز می‌دانیم، از همان ساختاری می‌آید که مسئول حفاظت از آن است. این مسئله فقط کمبود داده نیست. مسئله این است که چه کسی اجازه دارد داده تولید کند، چه کسی می‌تواند آن را بررسی کند و چه کسی می‌تواند بگوید شاید این روایت کامل نباشد.

در حفاظت از طبیعت، داشتن یک روایت رسمی کافی نیست. طبیعت با گزارش اداری تغییر نمی‌کند. اگر یوز کمتر دیده شود، اگر طعمه‌اش کاهش پیدا کند، اگر زیستگاهش تکه‌تکه شود یا اگر جاده‌ای مرگبارتر شود، این اتفاق‌ها مستقل از آنچه در گزارش‌ها نوشته می‌شود رخ می‌دهند. برای فهمیدن آنچه در یک زیستگاه می‌گذرد، به چشم‌های متعدد و مستقل نیاز داریم. اما مسئله فقط تعداد چشم‌ها نیست. این چشم‌ها باید بتوانند بمانند.

حفاظت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که آدم‌هایی در خود سرزمین، دانش و تجربه حفاظت را به بخشی ماندگار از زندگی و کار خود تبدیل کنند، نه اینکه حفاظت فقط در قالب پروژه‌هایی چندساله وارد یک منطقه شود و با پایان پروژه، بخش بزرگی از آن ظرفیت هم از بین برود. بنابراین نمی‌توان حفاظت از یوز را فقط به یک سازمان سپرد و انتظار داشت که مسئله حل شود. این البته به معنای حذف دولت از حفاظت نیست. برعکس، دولت همچنان نقشی اساسی و غیرقابل جایگزین دارد. قانون، حاکمیت، مدیریت مناطق، تأمین بودجه و حفاظت از زیستگاه بدون حضور دولت ممکن نیست. مسئله، انحصار حفاظت است. وقتی دولت تنها بازیگر اصلی حفاظت می‌شود، نه‌فقط مسئولیت، بلکه بخش بزرگی از دانش، داده، تصمیم‌گیری و ارزیابی عملکرد نیز در همان ساختار متمرکز می‌شود. حتی اگر همه افراد آن ساختار دلسوز و درستکار باشند، این تمرکز یک ضعف جدی دارد: اینکه امکان مشاهده مستقل، نقد و راستی‌آزمایی کمتر می‌شود. امنیتی شدن فضای محیط‌زیست این مشکل را تشدید کرده است. هرچه امکان حضور مستقل در عرصه‌های طبیعی محدودتر شود، فاصله میان آنچه واقعاً در سرزمین اتفاق می‌افتد و آنچه از آن می‌دانیم، می‌تواند بیشتر شود. این فقط مسئله شفافیت نیست. وقتی چشم‌های بیرونی حذف می‌شوند، خطا هم آسان‌تر پنهان می‌ماند و موفقیت هم دشوارتر قابل سنجش می‌شود.

اما شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای این مدل، چیزی باشد که کمتر درباره آن حرف زده‌ایم؛ شکنندگی حفاظت.

در چند دهه گذشته، تلاش‌های غیردولتی مختلفی برای حفاظت از یوز و دیگر گونه‌های حیات‌وحش در ایران شکل گرفته است. پروژه‌هایی که دانش تولید کرده‌اند، نیرو تربیت کرده‌اند، شبکه ساخته‌اند و با جوامع محلی ارتباط برقرار کرده‌اند. اما بسیاری از این تلاش‌ها نتوانسته‌اند به بخشی پایدار از نظام حفاظت تبدیل شوند.

با پایان یک پروژه، تغییر یک مدیر، تغییر شرایط امنیتی یا محدود شدن دسترسی، ممکن است بخش بزرگی از این سرمایه از بین برود. حفاظت در ایران بارها از نو شروع شده است، نه از جایی که دفعه قبل تمام شده بود. این یعنی ما هنوز نظام حفاظتی‌ای نساخته‌ایم که بتواند حافظه و ظرفیت خود را حفظ کند.

یک نظام حفاظتی تاب‌آور نباید با تغییر یک مدیر، پایان یک بودجه یا تغییر شرایط سیاسی و امنیتی فروبریزد. باید آن‌قدر بازیگر، دانش و ظرفیت مستقل در آن وجود داشته باشد که بتواند ضربه را جذب کند و ادامه دهد.

شاید مسئله یوز دقیقاً همین باشد. ما بیش از آنکه یک نظام حفاظت ساخته باشیم، مجموعه‌ای از پروژه‌های حفاظت ساخته‌ایم؛ پروژه‌هایی که با تغییر شرایط می‌آیند و می‌روند و هر بار بخشی از دانش، تجربه و سرمایه اجتماعی ساخته‌شده را با خود می‌برند. یوز به یک پروژه دیگر نیاز ندارد. به نظامی از حفاظت نیاز دارد که با رفتن یک آدم، تغییر یک مدیر یا بسته شدن یک در، از کار نیفتد. نظامی که فقط یک چشم نداشته باشد. چشم‌هایی که بتوانند ببینند، پرسش کنند، نقد کنند و اگر لازم بود، با روایت رسمی مخالفت کنند.

چون در نهایت، حفاظت از یوز فقط به این بستگی ندارد که چه کسی از آن محافظت می‌کند، بلکه به این بستگی دارد که چه کسانی اجازه دارند ببینند که آیا واقعاً از آن محافظت می‌شود یا نه.

| یادداشت |

در سایه اختلافات درون خانوادگی کمتر کسی صدای انقراض یوز را می‌شنود

| سعید یوسف‌پور |
| مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان |

یوز آسیایی به عنوان یکی از نادرترین گربه‌سانان جهان در شرایط بسیار بحرانی و عملا در آستانه انقراض قرار دارد.

چند دهه‌ای می‌شود که تلاش‌هایی از سوی سازمان حفاظت محیط زیست و برخی فعالان محیط زیست برای پیشگیری از انقراض این گونه ارزشمند انجام شده‌است. سازمانی که در ضعفِ جدی تاریخی در حوزه مالی و نیروی انسانی قرار داشته و فعالانی که تعدادشان بسیار اندک است. هیچگاه عزمی جدی و در سطح ملی برای حل چالش‌ها و تعارضات زیستگاه‌های یوز شکل نگرفته است.

به جز نقش بستن تصویر یوز آسیایی بر روی پیراهن تیم ملی و تب احساسی کوتاه مدت «پیروز»، افکار عمومی چندان با بحران جدی انقراض قریب‌الوقوع یوز آگاه نیست و مضاف بر آن، بقای یوز اولویت جدی در قوای سه‌گانه به ویژه دولت نبوده است.

در بی‌توجهی رسانه ملی به این موضوع، تلاش‌های رسانه‌ها و خبرنگاران حوزه محیط زیست نیز نتوانسته اثرگذاری گسترده‌ای بین مردم و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان کشور داشته‌باشد، چرا که مخاطب اصلی این رسانه‌ها عملا کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست، فعالان، دانشجویان و استادان دانشگاهی محیط زیست بوده است که در خوشبینانه‌ترین حالت، جمعیت این افراد از مرز بیست هزار نفر هم تجاوز نمی‌کند.

در فضای مجازی نیز همین روند حاکم است، صفحات فعال محیط‌زیستی عمدتا مخاطبان و دنبال‌کنندگان یکسانی دارند که به دو گروه موافقان و نقادان سیاست‌ها و اقدامات سازمان حفاظت محیط زیست تقسیم می‌شوند. نقدهای صورت گرفته در حوزه‌های محیط‌زیست به ویژه موضوع یوز آسیایی، غالب وقت‌ها، نقدهای درون خانوادگی است که بازخورد اندکی در بین آحاد جامعه و مسئولان اثر گذار کشور دارد. هرچند همین نقدها گاه، سازنده و گاه، مانع تصمیم‌گیری‌های درست و شجاعانه در حوزه محیط‌زیست می‌شود؛ اما واقعیت این است که به دلیل حوزه تاثیر محدود، به جز اندک مواردی، نتوانسته برای حل مسائل کلان سازمان حفاظت محیط زیست و موضوعاتی اضطراری مانند یوز، جریان‌سازی مثبت کند و راه‌گشا باشد.

از دید نگارنده وقت آن رسیده‌است که تمامی دست‌اندرکاران و فعالان واقعی حوزه محیط زیست، در کنار نقدهای درون خانوادگی، به دنبال جریان‌سازی قانونی و تاثیر گذار در سطح ملی برای حل مسائل و چالش‌های پیش‌روی حفاظت و بقای یوز باشند. کاری که هرچند دشواری‌های خود را دارد؛ اما انجام‌پذیر است. چرا که هنوز امیدها برای بقای مهم‌ترین گربه‌سان ایران که تبدیل به یک نماد ملی شده‌است، پر رنگ است.

| یادداشت |

سرنوشت یوزپلنگ در شکاف میان توسعه و حفاظت

| علی رنجبران |
| حفاظتگر |

سرنوشت یوزپلنگ آسیایی شاید روشن‌تر از هر گونه دیگری نشان دهد که مرزهای روی نقشه تا چه اندازه با واقعیت طبیعت فرق دارند. یوز نمی‌داند کجا یک منطقه حفاظت‌شده تمام می‌شود و کجا جاده، معدن یا زمین کشاورزی آغاز می‌شود. برای زنده ماندن ناچار است از همین مرزها عبور کند و اگر نتوانیم بیرون از مناطق حفاظت‌شده هم برایش فضایی قابل‌زیست نگه داریم، بعید است بتوانیم فقط با حفاظت از چند لکه امن، آینده‌ای برایش حفظ کنیم.

سال‌هاست حفاظت در ایران بیش از هر چیز با یک ابزار شناخته می‌شود: ممنوعیت. منطقه‌ای را حفاظت‌شده اعلام می‌کنیم، شکار را ممنوع می‌کنیم و بخشی از فعالیت‌های توسعه‌ای را محدود می‌کنیم. این ابزار ضروری است و باید باقی بماند. ما همچنان به لکه‌هایی امن نیاز داریم که در آن‌ها بعضی فعالیت‌ها اساساً نباید مجاز باشند. مسئله از جایی شروع می‌شود که حفاظت را فقط به همین ابزار محدود کنیم.

حدود ۱۱ تا ۱۲ درصد از مساحت ایران در قالب مناطق چهارگانه تحت حفاظت است. حتی اگر این مناطق به بهترین شکل مدیریت شوند، برای حفاظت از بسیاری از گونه‌ها کافی نیستند. این محدودیت در مورد یوز آشکارتر است. یوز به یک جزیره کوچک حفاظت‌شده تعلق ندارد؛ به یک لنداسکیپ وسیع نیاز دارد. نرها می‌توانند قلمروهایی داشته باشند که گاهی به حدود ۲۰۰ هزار هکتار می‌رسد و گستره حرکتی ماده‌ها نیز بسیار وسیع است. چنین جانوری ناگزیر از مرز مناطق رسمی عبور می‌کند.

همین‌جا یکی از ضعف‌های مدل فعلی حفاظت آشکار می‌شود. بیرون از مناطق حفاظت‌شده، آن سد حقوقی اولیه هم وجود ندارد. معدن، جاده، کشاورزی و دیگر اشکال توسعه می‌توانند پیش بروند، بدون آنکه الزاماً همان محدودیت‌های مناطق رسمی بر آن‌ها حاکم باشد. برای یوز، نتیجه این شکاف فقط یک بحث نظری نیست. جاده می‌تواند یک زیستگاه پیوسته را دو تکه کند و مستقیماً جان حیوان را بگیرد. معدن می‌تواند با جاده دسترسی، رفت‌وآمد، باطله، آلودگی و مصرف آب، اثرش را بسیار فراتر از محدوده حفاری گسترش دهد. توسعه کشاورزی هم می‌تواند منابع آب و پوشش زیستگاه را تغییر دهد. هرکدام شکل متفاوتی از توسعه‌اند و هرکدام به ابزار متفاوتی برای مدیریت اثر نیاز دارند.

حتی در حاشیه «توران»، قلب یکی از مهم‌ترین زیستگاه‌های باقی‌مانده یوز، همین مسئله دیده می‌شود. بیرون از مرز رسمی منطقه، امکان صدور مجوز برای فعالیت‌هایی وجود دارد که اثرشان به همان نقطه محدود نمی‌ماند. از طرف دیگر، تجربه زیستگاه‌های جنوبی یوز هم هشداردهنده است. مناطقی که زمانی بخشی از گستره حضور یوز بودند، امروز ظاهراً با انقراض محلی گونه مواجه‌اند. در بعضی از این لکه‌ها، از جمله «دره انجیر»، حتی عنوان حفاظتی هم نتوانست مانع صدور مجوز برای پروژه‌های بزرگ معدنی مانند D19 شود.

این به آن معنا نیست که ممنوعیت ابزار بدی است. برعکس، جاهایی وجود دارند که باید خط قرمز واقعی باشند. مسئله این است که نمی‌توان حفاظت را فقط بر یک ابزار بنا کرد. وقتی ممنوعیت جواب نمی‌دهد یا اصلاً امکان اعمال آن وجود ندارد، باید چیز دیگری در دست داشته باشیم.

سرنوشت یوز ما را ناچار می‌کند از منطق صفر و یک فاصله بگیریم. اینکه یک پروژه توسعه‌ای یا کاملاً ممنوع باشد یا بدون مسئولیت کافی اجرا شود، انتخاب‌های کافی نیستند. به مدل‌هایی نیاز داریم که میان این دو وضعیت کار کنند؛ مدل‌هایی که بتوانند بگویند کجا باید فعالیت متوقف شود، کجا باید اثر کاهش پیدا کند، کجا جبران لازم است و کجا باید احیا و بازسازی انجام شود.

یکی از چارچوب‌های شناخته‌شده، همین سلسله‌مراتب کاهش اثر است. ابتدا از تخریب قابل اجتناب جلوگیری کنیم؛ اگر اثری اجتناب‌ناپذیر است، آن را کاهش دهیم؛ سپس برای اثرات باقی‌مانده جبران و در نهایت احیا و بازسازی داشته باشیم. تفاوت اصلی این نگاه با مدل فعلی این است که توسعه را از یک مجوز ساده به یک مسئولیت مستمر تبدیل می‌کند.

ابزارهایی مانند «اعتبار تنوع زیستی» یا Biodiversity Credit و مفهوم Biodiversity Net Gain نیز از همین منطق می‌آیند. قرار نیست یک شرکت با پرداخت پول، مجوز تخریب بخرد. اصل باید این باشد که اثر منفی اندازه‌گیری شود، تا حد ممکن کاهش پیدا کند و آنچه باقی می‌ماند، با سازوکاری قابل‌سنجش جبران شود. در مدل «افزایش خالص تنوع زیستی»، حتی هدف این است که پس از پایان فعالیت و اقدامات احیایی، وضعیت تنوع زیستی از نقطه شروع بدتر نباشد و حتی بهتر شده باشد.

این ابزارها بی‌نقص نیستند. می‌توان از آن‌ها برای سبزشویی استفاده کرد، می‌توان شاخص‌ها را بد طراحی کرد و می‌توان با اعداد، تصویری غیرواقعی ساخت. اما امکان سوءاستفاده، به‌خودی‌خود، دلیل کنار گذاشتن یک ابزار نیست. جاده هم می‌تواند به توسعه و دسترسی کمک کند و هم زیستگاه را تکه‌تکه کند.

مسئله این است که ابزار چگونه طراحی و استفاده می‌شود و چه میزان شفافیت و نظارت پشت آن وجود دارد. ایران هم از نظر قانونی کاملاً خالی از چنین منطق‌هایی نیست. در قوانین معدن، احیا و بازسازی محدوده‌های معدنی پیش‌بینی شده و برای معدن‌کارانی که در حفاظت و احیای محیط‌زیست اقدام کنند، مشوق‌هایی وجود دارد. مشکل، فاصله میان قانون و اجرای آن است. در عمل، بازسازی فراگیر نیست و اقدام‌های محیط‌زیستی هم گاهی به کاشت درخت یا فضای سبز محدود می‌شوند؛ در حالی که نیاز واقعی یک اکوسیستم ممکن است چیز دیگری باشد.

«یوزکنام» نمونه‌ای روشن از همین چالش است. این پهنه حدود ۴۵۰ هزار هکتاری میان زیستگاه‌های اصلی یوز در شمال‌شرق ایران قرار دارد، اما منطقه حفاظت‌شده رسمی نیست. همین موضوع آسیب‌پذیری آن را بیشتر می‌کند. در چنین جایی نمی‌توان فقط به ممنوعیت تکیه کرد. باید برای معدن، جاده، کشاورزی و دیگر اشکال توسعه، الگوهای متفاوت اما هم‌جهتی ساخت: مسئولیت‌پذیری، کاهش اثر، جبران، احیا، تأمین مالی حفاظت و مشارکت واقعی ذی‌نفعان. اگر نتوانیم این مدل‌های پیچیده‌تر را توسعه دهیم، یوز ناگزیر بخشی از زیستگاهش را یکی پس از دیگری از دست خواهد داد. این مدل‌ها از روز اول کامل نخواهند بود. باید آزموده شوند، خطاهایشان شناخته شود و در طول زمان اصلاح شوند. اما نرفتن به سمت آن‌ها هم یک انتخاب است؛ انتخابی که ممکن است هزینه‌اش از دست دادن یوزپلنگ آسیایی باشد. برای حفاظت از یوز فقط به خطوط محکم‌تر روی نقشه نیاز نداریم؛ به ابزارهای بیشتر، تصمیم‌های سخت‌تر و آمادگی برای یادگرفتن هم نیاز داریم.

| یادداشت |

سه عامل به‌نتیجه‌نرسیـــدن حفاظت از یـــوز

| محمدصادق فرهادی‌نیا |
| استاد دانشگاه کنت |

چرا حفاظت از یوز در ایران به نتیجه نمی‌رسد؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان به سه دلیل عمده اشاره کرد.

اول، تصور کنید برای درمان یک بیمار سرطانی به ۱۰ جلسه شیمی‌درمانی نیاز است، اما بعد از جلسه دوم بگویید: «خوب، بس است!» طبیعتاً حال بیمار خوب نمی‌شود، چون فقط درصدی از نیاز درمانی او تأمین شده است. همین اتفاق در مورد یوزپلنگ هم در ایران افتاد. با اینکه درصد زیادی از وسعت زیستگاه‌های یوز در ایران متعلق به این گونه بوده است، این زیستگاه‌ها از نظر نیروی انسانی و تعداد محیط‌بانان، جزو کم‌تعدادترین‌ها بوده‌اند. بزرگ‌ترین تلاش برای افزایش نیروی انسانی در دهه ۱۳۸۰ اتفاق افتاد و تعداد محیط‌بانان زیستگاه‌های یوزپلنگ دو برابر شد؛ البته نه از مجاری رسمی، بلکه با خلاقیت‌های فردی مدیران آن زمان. اگر آن فداکاری‌های شخصی نبود، اصلاً امروز نه یوزی مانده بود و نه زیستگاه یوز.

تنها دوره‌ای که یوزها، دست‌کم در ظاهر، به‌سمت احیا پیش رفتند، همان دهه ۱۳۸۰ بود که تعداد محیط‌بانان دو برابر شد. متأسفانه از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تمام آن تلاش‌ها متوقف شد و اکنون به وضعیتی رسیده‌ایم که امروز می‌بینیم. اخیراً سعید یوسف‌پور، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان، اعلام کرده است که توران فقط با ۱۲ محیط‌بان حفاظت می‌شود. این تعداد دقیقاً برابر با تعداد محیط‌بانان توران در دهه ۱۳۷۰ است، درحالی‌که در دهه ۱۳۸۰ تعداد آنها به حدود ۲۵ نفر رسیده بود. خلاصه، سیستم کج‌دارومریز سازمان حفاظت محیط زیست که فکر می‌کند با دو جلسه از ۱۰ جلسه شیمی‌درمانی مورد نیاز می‌تواند این بیمار سرطانی را نجات دهد، تأسف‌بار است.

دوم، سیستم حفاظتی ایران در نقدکردن چک خودش ضعیف است و فقط دلش به نسیه خوش است. در کجای دنیا وزیران و رئیس‌جمهور درگیر موضوع یوزپلنگ بوده‌اند و این‌همه مردم آن را می‌شناسند؟ پس چرا این چک‌های حمایت عمومی به پول نقد برای حفظ یوز تبدیل نمی‌شود؟ همین مسئله جاده را ببینید. چندین وزیر راه، از آخوندی و بذرپاش تا همین خانم فرزانه صادق مالواجرد، قول داده‌اند، امضا کرده‌اند و گفته‌اند که به ایمن‌سازی جاده کمک می‌کنند. آیا مسئله جاده حل شد؟

تأسف‌بار آنکه در یک مورد، خود سازمان حفاظت محیط زیست حدود ۱۰ سال پیش حتی فراموش کرده بود پاسخ نامه وزارتخانه مربوط را بدهد و مشخصات جاده و حفاظ مورد نیاز را تعیین کند. سازمان حفاظت محیط زیست حتی نتوانسته است از پنج کیلومتر فنسی استفاده کند که مردم ایران در قالب «نذر طبیعت» خریداری و به این سازمان اهدا کردند. همه آنها در انبار افتاده‌اند و خاک می‌خورند. در طول ۱۵ سال گذشته، سازمان حفاظت محیط زیست سالانه حدود ۵۰۰ متر از جاده را ایمن‌سازی کرده است. مگر قرار بود ۵۰۰ متر، یوزی را که صدها کیلومتر جابه‌جا می‌شود، حفظ کند؟ یا این اقدام صرفاً دل‌خوشی برای نشان‌دادن کارنامه بوده است؟

همین است که یوز خودش فرصتی ایجاد می‌کند تا همه به کمکش بیایند، اما آن‌که باید برود چک را بگیرد و نقد کند، یا اصلاً فراموش می‌کند سر قرار برود و چک را بگیرد، یا اگر می‌رود، آن را نقد نمی‌کند.

سوم، سازمان حفاظت محیط زیست درک صحیحی از هر مفهومی که به «مشارکت» ختم می‌شود، ندارد؛ مانند همین حفاظت مشارکتی که به‌معنای مشارکت در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و منافع آن است. درحالی‌که سازمان حفاظت محیط زیست، حفاظت مشارکتی را به‌معنای اجازه‌دادن به دیگران برای حضور در مناطق حفاظت‌شده و کمک به سرشماری، ساخت آبشخور و انجام هر کار دیگری می‌داند که خودش نیرو و پول لازم برای آن را ندارد. همین مسئله در مورد مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها هم وجود دارد.

مثال خوب آن، تکثیر در اسارت است. بیش از ۱۰ سال سرمایه‌گذاری سازمان حفاظت محیط زیست در این زمینه با شکست روبه‌رو شده است، اما نکته جالب آن است که در هر دوره، این پروژه زیر نظر «یک فرد» بوده است. هرگاه آن فرد به‌دلیل خطاهای متعدد یا شکست‌ها به نتیجه نرسیده، از کار برکنار و با «یک فرد» دیگر جایگزین شده است. فرد جدید قدرت تام دارد و فرد برکنارشده به بزرگ‌ترین منتقد همان سازمان تبدیل می‌شود.

مقصر کیست؟

تاکنون چند بار این الگو تکرار شده است و متأسفانه به‌جای آنکه قدرت را به گروهی از متخصصان بدهند، الگوی تکراری اعطای قدرت تام به «یک فرد» همچنان روش سازمان حفاظت محیط زیست است. به نظر من، مقصر این روند تکراری ـ سپردن مسئولیت تام به یک فرد، موفق‌نشدن او و در نهایت تبدیل‌شدنش به منتقد ـ بیش از آنکه آن فرد باشد، سازمان حفاظت محیط زیست است.

دادن قدرت مطلق در حفاظت هیچ‌وقت به موفقیت نمی‌انجامد و اگر هم چنین شود، شانسی است، نه نتیجه روندی تکرارپذیر. بااین‌حال، سازمان حفاظت محیط زیست یک الگو را تکرار می‌کند: قدرت مطلق می‌دهد، پروژه شکست می‌خورد، فردی را که روزگاری قدرت مطلق داشته است اخراج می‌کند و او به منتقد تبدیل می‌شود.

چاره همان است که همیشه گفته شده است: نه یک فرد، بلکه یک تیم باید مسئولیت چنین پروژه‌ای را بر عهده بگیرد. این الگو دقیقاً چند سال پیش اجرا شد و در آن، با تیمی از متخصصان، از چندین بوم‌شناس ایرانی و خارجی گرفته تا محیط‌بانان و چند دامپزشک، مشورت شد. نتیجه چه بود؟ «ایران»، ماده‌یوز، با وجود آنکه فقط یک یوز نر برای جفت‌گیری در اختیار بود، باردار شد. هرچند متأسفانه سازمان حفاظت محیط زیست پیش از زایمان ایران خیلی زود دوباره عقب‌گرد کرد و سیستم گروهی را به سیستمی فردمحور بازگرداند. نتیجه همان شد که همه دیدند: شکست پشت شکست و آبروریزی برای سازمان حفاظت محیط زیست.

فرمول بسیار ساده است: هرگاه یک فرد قدرت مطلق گرفته باشد، احتمال خطای او بالاست، چون صاحب همه مهارت‌ها و تخصص‌ها نیست. فقط یک گروه می‌تواند خطاها را کاهش دهد.

البته اینها تنها مشکلات موجود نیستند، اما کسی که نقد می‌کند، باید شرایط جنگی کشور و تحریم‌های سخت اقتصادی را هم در نظر بگیرد؛ وگرنه نقد بی‌فایده است. اگر شرایط کشور با وضعیت جنگی موجود متفاوت بود، قطعاً این فهرست سوءتدبیرها ادامه پیدا می‌کرد، اما باید متناسب با شرایط جنگی کشور منصف بود.

در پایان، ساختارهای حفاظتی در سراسر دنیا سرشار از آزمون‌وخطا هستند؛ بنابراین دیدن خطاهای فراوان در حفاظت عجیب نیست. آنچه عجیب است، این است که خطاها تکرار و به یک الگو تبدیل شوند. متأسفانه هر سه مورد بالا که در ابتدا خطا بودند، امروز به خطاهای تکرارشونده تبدیل شده‌اند. آن‌وقت تعجب می‌کنیم که چرا به نتیجه نمی‌رسیم!

حفاظت با چشمان بسته

| باقر نظامی |
| مدیر ملی پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی |

یوزپلنگ در صدر فهرست کمیاب‌ترین گربه‌سانان دنیا قرار دارد. با توجه به شرایط و وضعیت بحرانی این گونه در کشور، حفاظت از یوز به یک ساختار مدیریتی پویا، شجاعانه و احتمالاً پرریسک نیاز دارد. انتظارات از پروژه یوز، چه در داخل سازمان محیط زیست و چه در بیرون از آن، بسیار بالاست؛ درحالی‌که ما فقط یک دفتر مشاوره‌ای هستیم و قدرت اجرایی بسیار محدودی داریم. حتی ساختار گذشته، به‌عنوان یک پروژه بین‌المللی و با همکاری مشاوران خارجی و داخلی، ممکن نیست.

پروژه در گذشته بین‌المللی بود و تشکل‌های زیادی با آن همکاری داشتند. این تشکل‌ها در جمع‌آوری داده‌ها مشارکت می‌کردند و پروژه براساس این داده‌ها برنامه‌ریزی، مدیریت و سیاست‌گذاری می‌کرد. امروز هیچ‌کدام از تشکل‌ها با ما همکاری ندارند و فعالیت آن‌ها به دلایل متعدد کاملاً محدود شده است. از یک طرف با ناامیدی تشکل‌ها مواجهیم و از طرف دیگر، امکانات ما برای مدیریت یوز در این پهنه وسیع بسیار محدود است.

مشکل فقط نبود امکانات نیست. ما اطلاعات کافی برای مدیریت یوز نداریم. به نظر من، حفاظت از یوز امروز با چشم‌های بسته انجام می‌شود. ۲۰ سال پیش و در دهه ۸۰، دوربین‌های تله‌ای را به تعداد زیاد و به‌صورت سیستماتیک به‌کار می‌گرفتیم. در اواسط دهه ۸۰ هم گردنبندگذاری داشتیم. امروز اما پس از ۲۰ سال، بهره‌برداری از این ابزارها به‌دلیل تحریم و مسائل دیگر ممکن نیست. وقتی فناوری و نیروی انسانی کافی نداشته باشیم، نمی‌دانیم یوزها کجا می‌روند و چه تعدادی یوز داریم. همچنین شناسایی مسیرهای جابه‌جایی و تهدیدها و مدیریت آن‌ها ناممکن است. نمی‌دانیم ماده‌ها کجا هستند، وضعیت زادآوری آن‌ها چگونه است و تقریباً اغلب توله‌ها چه سرنوشتی پیدا می‌کنند. بنابراین، مدیریت ما با چشم‌های بسته و براساس حدس‌وگمان است.

با یک برآورد سرانگشتی می‌توان فهمید که در طول دو دهه و نیم، بیش از ۲۰۰ یوز متولد شده‌اند. بااین‌حال، پس از بیش از ۲۰ سال همچنان می‌گوییم کمتر از ۳۰ یوز داریم. یوز نرخ زادوولد بالایی دارد و تقریباً همه ماده‌ها یک سال در میان در طبیعت زادآوری می‌کنند. مشکل این است که نتوانسته‌ایم مرگ‌ومیر آن‌ها را کنترل کنیم. جابه‌جایی‌های زیاد یوز نیز باعث افزایش مرگ‌ومیر آن شده است.

در کنار ضعف اطلاعات، مشکل نظارت و اجرا هم وجود دارد. پروژه یوز پس از شش سال تعطیلی دوباره راه افتاده است. در یک سال و نیم گذشته و در سال‌های مالی ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، معاونت محیط طبیعی مبلغ قابل‌توجهی برای حفاظت از یوز به استان‌ها اختصاص داده است. این پول بیش از یک‌سوم مبلغی است که در طول ۱۷ سال از منابع بین‌المللی برای یوز هزینه شد. اما پول به‌تنهایی مشکل را حل نمی‌کند و نظارت بر حسن انجام اقدامات اولویت‌دار تعریف‌شده از سوی پروژه اهمیت دارد.

زیستگاه‌های جنوبی، با محوریت یزد و مناطق اطراف آن در اصفهان، خراسان جنوبی و کرمان، جمعیت خود را از دست داده‌اند. اکنون در خوش‌بینانه‌ترین حالت، چهار ماده‌یوز بارور در طبیعت ایران زیست می‌کنند. از بین رفتن هر فرد به‌معنای از دست دادن بخشی از ذخیره‌ای ژنتیکی است که حاصل هزاران سال است و در هیچ جای دیگری از دنیا وجود ندارد. این ذخیره نه قابل‌اختراع است و نه قابل‌ابداع. پس از آن نیز احتمال درون‌آمیزی و کاهش اندازه مؤثر جمعیت وجود دارد.

بحران طعمه مشکل دیگری است که وضعیت یوز را دشوارتر کرده است. یوزها جابه‌جایی‌های بسیار زیادی دارند و به‌ویژه در توران با بحران شدید طعمه مواجه هستیم. در تعارض با دامداران هم موفق نبوده‌ایم. پس از ۲۰ سال، شاید فقط در توران بیش از ۱۰ هزار شتر پراکنده باشند. دام سبک را بیرون کردیم و دام سنگین آمده است! در کنار بحران طعمه، تعارض با دامداران موجب جابه‌جایی‌های طولانی یوز شده است.

زیستگاه‌های بینابینی نیز امنیت کافی ندارند. پس از دو دهه، هنوز درگیر این هستیم که آیا قرق داشته باشیم یا نداشته باشیم. اگر در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۲۷ یا ۲۸ یوز داشته باشیم، امنیت و به‌ویژه وضعیت طعمه‌ها در طبیعت مناسب نیست. در بهترین حالت، در زیستگاه‌های لکه‌ای شمالی بیش از شش هزار طعمه نداریم. این تعداد طعمه امکان تأمین نیازهای جمعیت یوز، پلنگ و گرگ را فراهم نمی‌کند. ما به‌زودی با ریزش جدی جمعیت یوز مواجه می‌شویم و این بسیار خطرناک است.

در نهایت، مسئله به ساختار و جایگاه پروژه یوز برمی‌گردد. یک‌سوم مناطق تحت مدیریت محیط زیست، زیستگاه‌های یوز هستند. محیط‌بانان با دشواری زیاد از این مناطق حفاظت می‌کنند. این مناطق اغلب خشک و پرخطرند و مسائل امنیتی در آن‌ها برجسته است. با وجود سهم ۳۰درصدی زیستگاه‌های یوز از مناطق تحت مدیریت، تنها سه درصد محیط‌بانان در این زیستگاه‌ها فعالیت می‌کنند.

بخش قابل‌توجهی از تعارض‌ها در اختیار دستگاه‌هایی است که اهداف آن‌ها با اهداف ما در تعارض است. جاده یکی از مهم‌ترین دلایل تلفات یوز است و متولی آن وزارت راه است. معدن نیز یکی دیگر از مسائل است و متولیان آن سازمان منابع طبیعی و وزارت صمت هستند. ما در برقراری ارتباط با ذی‌نفعان موفق نبوده‌ایم. کشور در وضعیت نیمه‌جنگی است، چالش‌ها بیشتر شده‌اند و طبیعتاً حفاظت از اولویت خارج می‌شود.

یوز نرخ زادوولد بالایی دارد و تقریباً همه ماده‌ها یک سال در میان در طبیعت زادآوری می‌کنند مشکل این است که نتوانسته‌ایم مرگ‌ومیر آن‌ها را کنترل کنیم جابه‌جایی‌های زیاد یوز نیز باعث افزایش مرگ‌ومیر آن شده است

| یادداشت |

هنوز وخامت وضعیت را باور نکرده‌ایم

| علی شمس |
| مدیر مرکز تکثیر، بازپروری و بازوحشی‌سازی یوزپلنگ آسیایی |

این روزها هر استان به تکاپویی برای جلب توجه عمومی به یوزپلنگ افتاده است؛ از رئیس سازمان تا معاونان و کارشناسان، هرکس موضوعی برای مطرح‌کردن دارد. اما شاید کمتر کسی به یوزپلنگ‌های آسیایی در اسارت توجه کند. شاید چون امسال توله‌ای به این جمعیت در آستانه انقراض اضافه نشده است! بااین‌حال، هلیا با پنج توله می‌تواند صدر اخبار حفاظت از یوز باشد. به‌طورکلی، این اتفاق خوبی است که این‌بار یک یوز در طبیعت توجه همگان را جلب کرده است.

هرچند ما متخصصان همه می‌دانیم شرایط بسیار پیچیده‌تر از آن است که یک ماده با هر تعداد توله بتواند این زیرگونه در آستانه انقراض را نجات دهد. شرایط قطعاً وخیم‌تر از ۱۰ سال پیش است؛ زمانی که دست‌کم در چند منطقه حفاظت‌شده دیگر در مرکز ایران یوزپلنگ داشتیم. همان زمان، با مشورت و پافشاری، تلاش می‌کردیم توجه مدیران وقت را بیشتر به این وضعیت جلب کنیم تا درک کنند که با این شرایط تعارضی و جمعیتی، نمی‌توان تمام تخم‌مرغ‌های حفاظت را صرفاً در سبد توجه به زیستگاه‌ها گذاشت.

در سراسر جهان، وقتی گونه‌های مشابهی به این وضعیت جمعیتی رسیده‌اند، پروژه‌های برون‌زیستگاهی، مانند طرح‌های تکثیر، فراجمعیت و ایجاد جمعیت‌های پشتیبان، شکل گرفته‌اند. اما ما در تمام این سال‌ها نه‌تنها ایجاد یک جمعیت پشتیبان را به‌عنوان هدف دنبال نکردیم، بلکه همواره از ضرورت تلاش و برنامه‌ریزی برای آن طفره رفته‌ایم؛ بااینکه تمام برنامه‌های خارج‌زیستگاهی با هدف بازوحشی‌سازی و معرفی مجدد همان جمعیت‌های در اسارت به طبیعت آزاد طراحی و اجرا می‌شوند.

در این سال‌ها، برنامه‌های اسارت ما تنها بر مبنای افرادی بوده است که به هر دلیلی از طبیعت جدا شده‌اند: یوزی را از قاچاقچی گرفته‌اند، توله‌هایی تنها پیدا شده‌اند و... گویی این یعنی ما نباید برنامه مشخص حفاظت برون‌زیستگاهی داشته باشیم؛ چون برای مردم، دیدن یوزپلنگ پشت فنس لذت‌بخش نیست و ما مدیران نیز باید به‌جای ترجیح علم و تجربه جهانی، ترجیح مخاطب در شبکه‌های اجتماعی را در نظر بگیریم.

من به‌عنوان کسی که بیش از ۱۰ سال از عمرم را برای حفاظت از یوزپلنگ در ایران و نقاط مختلف آفریقا صرف کرده‌ام، با دانش و تجربیات موجود در جهان می‌دانم که برای بسیاری از این برنامه‌ها، چه زیستگاهی و چه برون‌زیستگاهی، خیلی خیلی دیر شده است؛ چه رسد به اینکه اکنون، پس از ازدست‌رفتن حدود ۸۰ درصد جمعیت و زیستگاه طی ۲۰ سال، به‌جای اقدامات سریع، همچنان درگیر کلیشه‌های حفاظت از زیستگاه و خارج‌زیستگاه باشیم.

مسئله اصلی، این دوگانه‌سازی‌هاست. حفاظت از زیستگاه و خارج از زیستگاه خط جدایی‌پذیری ندارند. اگر زیستگاه یک گونه از دست برود، دیگر جمعیت‌های در اسارت آتی جایی برای رهاسازی نخواهند داشت. اگر جمعیت پشتیبان در اسارت ایجاد نکنیم، فردا با انقراض جمعیت‌های زیستگاه، کل زیرگونه منقرض می‌شود.

به همین دلیل، چالش اصلی تکثیر یوزپلنگ در اسارت را فقط بودجه، تجهیزات و حتی یوزپلنگ نر در دسترس نمی‌دانیم؛ هرچند همه این موارد واقعاً چالش‌برانگیزند. اما بیش از همه این‌ها، نبود یک همت عمومی، دوگانه‌سازی به‌جای همگرایی و نبود اتحاد میان متخصصان مستقل، چالش اصلی ما برای نجات این زیرگونه است.

بسیاری از ما هنوز وخامت وضعیت را باور نکرده‌ایم. ما هنوز از انقراض سریع یوزپلنگ در زیستگاه‌های مرکزی و جنوبی ایران درس نگرفته‌ایم؛ ازدست‌رفتن جمعیت در کمتر از ۱۰ سال، انقراض محلی در تک‌تک مناطق و چندین اتفاق ناگوار که این جمعیت اندک را همواره تهدید می‌کند.

به امید روزی که توجه به حفاظت از گونه‌های در آستانه انقراض، به دور از هر جبهه‌گیری، دوگانه‌سازی و سیاست، تنها بر مبنای اصول و روش‌های علمی و در سایه تجربیات موفق دنیا طراحی و اجرا شود.

حفاظت از زیستگاه و خارج از زیستگاه خط جدایی‌پذیری ندارند اگر زیستگاه یک گونه از دست برود دیگر جمعیت‌های در اسارت آتی جایی برای رهاسازی نخواهند داشت

| یادداشت |

مرزهـــای حفاظت

| احامد ابوالقاسمی |
| حفاظتگر |

شاید یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که یوزپلنگ آسیایی به نظام حفاظت از طبیعت ایران داده، این باشد که طبیعت مرزهای ما را نمی‌شناسد.

یوزپلنگ برای بقا به جابه‌جایی گسترده و شبکه‌ای از زیستگاه‌های به‌هم‌پیوسته نیاز دارد. بنابراین حفاظت از آن نمی‌تواند فقط به «مناطق حفاظت‌شده دولتی» محدود شود. این گونه برای یافتن طعمه، آب و امنیت، از کریدورهایی استفاده می‌کند که بخش قابل توجهی از آنها خارج از مناطق چهارگانه و تحت حفاظت دولتی نیستند.

واقعیت این است؛ اگر قرار است یوز را حفظ کنیم، باید زیستگاه‌های پیوسته آن را حفظ کنیم و برای حفاظت از عرصه‌های خارج از مدیریت دولت، ظرفیت‌های دیگری را نیز وارد کنیم.

از همین نقطه می‌توان یکی از مهم‌ترین تحولات رویکرد حفاظتی کشور را دید؛ یعنی رسمیت بخشیدن به نقش مردم و بخش خصوصی در حفاظت از طبیعت و شکل‌گیری نخستین قرق‌های اختصاصی.

اهمیت قرق اختصاصی صرفاً در تفاوت آن با سایر مناطق نیست؛ بلکه در پذیرش این اصل است که حفاظت از طبیعت تنها وظیفه یک دستگاه دولتی نیست و مردم، جوامع محلی، متخصصان و ذینفعان دیگر نیز می‌توانند مسئولیت مستقیم حفاظت را بر عهده بگیرند.

این تغییر نگاه برای یوز اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا بخش مهمی از زیستگاه آن در عرصه‌هایی قرار دارد که حفاظت آنها صرفاً با افزایش بودجه و نیروی دولتی امکان‌پذیر نیست.

تجربه‌هایی مانند حفاظتگاه مشارکتی «یوزکنام» در همین مسیر معنا پیدا می‌کنند. هدف، جایگزینی بخش خصوصی با سازمان حفاظت محیط‌زیست نیست؛ بلکه گسترش شعاع حفاظت و ایجاد شبکه‌ای از هسته‌های تخصصی و مردمی حفاظت است.

مزیت این شبکه در تنوع ظرفیت‌هاست. اتصال این ظرفیت‌ها در یک چارچوب مشخص می‌تواند توان حفاظت را به‌مراتب افزایش دهد.

اما شرط ماندگاری این مدل، گره خوردن منافع مردم با بقای طبیعت است. اگر زیستگاه سالم بتواند برای جامعه محلی و سایر ذینفعان انتفاع مشروع و پایدار ایجاد کند، حفاظت از یک وظیفه صرفاً اخلاقی به یک منفعت واقعی تبدیل می‌شود.

بخشی از موفقیت در آن است که درآمدزایی و اشتغال‌زایی به جای تخریب منابع، شکار غیرمجاز و بهره‌برداری ناپایدار، از حفاظت و بهره‌برداری پایدار از ظرفیت‌های طبیعت حاصل شود. حتی بهره‌بردارانی که فعالیت‌های اقتصادی آنها ماهیت ناپایدار دارد، می‌توانند با مشارکت در حفاظت بخشی از مسئولیت خود را در قبال طبیعت ایفا کنند.

از این طریق می‌توان شبکه‌ای از هسته‌های حفاظتگر تخصصی، مردمی و خصوصی ایجاد کرد که هرکدام بخشی از زیستگاه‌ها و کریدورها را پوشش دهند، روش‌های متفاوتی را به کار گیرند، منابع متنوع جذب کنند و تهدیدهای عرصه‌های وسیع‌تری را شناسایی و مدیریت کنند.

یوزپلنگ یکی از مهم‌ترین این درس‌ها را به ما داده است؛ امنیت زیستی در مرزهای مناطق چهارگانه و دولتی متوقف نمی‌شود.

اگر آینده حفاظت ایران را در شبکه‌ای پیوسته از زیستگاه‌ها ببینیم، باید شبکه‌ای پیوسته از حفاظتگران نیز در کنار ساختار دولتی شکل بگیرد؛ شبکه‌ای که در آن دولت، مردم، جوامع محلی، متخصصان و بخش خصوصی هرکدام بخشی از حفاظت را بر عهده داشته باشند.

روز ملی یوز علاوه بر وضعیت بحرانی آن، یادآور یک تغییر مهم در اندیشه حفاظت ایران است؛ برای حفاظت از گونه‌هایی که مرز نمی‌شناسند، باید حفاظت را نیز از مرزهای انسان‌ساخت و انحصارهای گروهی عبور داد.

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر
آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۴۴۱/۰۶ مترمربع پلاک ۱۵۷۱ فرعی از پلاک ۷۳۹۱ اصلی واقع در بخش سه بوشهر - شهر برازجان اراضی کلمه مورد درخواست آقای بهروز رستمی که درخواست انتشار آگهی تحدید حدود اختصاصی را نموده است که در روز ۱۴۰۵/۰۷/۰۱ در محل شروع بعمل خواهد آمد اینک به وسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق برابر ماده ۱۴ قانون ثبت و ماده ۹۹ آئین نامه قانون ثبت املاک دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهم رسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدیدی تا ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد حدود املاک مندرج در این آگهی از ساعت ۸ صبح شروع خواهد شد. لذا از صاحبان املاک و مجاورین دعوت می‌شود در روز و ساعت تعیین شده در محل حاضر باشند و چنانچه هر یک از صاحبان املاک حضور نداشته باشند ملک آنها مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید حدود خواهد شد . واخواهی نسبت به حدود ارتفاقی برابر ماده بیست قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد

ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد و الاحق او ساقط خواهد شد .

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
حمیدرضا باقرپور
رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان
شناسه آگهی: ۲۲۵۹۴۶۰

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان گیلان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۰۶۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یحیی عظیمی فرزند روح اله بشماره شناسنامه ۷۶۹ صادره از بیجار در ششدانگ یکقطعه زمین مشجر و اعیان موجود به مساحت ۵۹۷/۲۳ مترمربع پلاک فرعی ۸۴۹ از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۱ فرعی از ۴۹ اصلی بخش ۲۴ گیلان واقع در قریه چکوسر خریداری از مالک رسمی آقای سید حسین میرجلالی (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
نعمت ذوقی
رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۲۶۳۲۸۰ م الف: ۹۹۳

نوبت اول

شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۲۶۰۰۱۰۰۳۶۹۳
تاریخ: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۶۰۰۱۰۰۳۴۰۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سعید ابوالفتحیان فرزند محمد بشماره شناسنامه ۲۱۷ صادره از همدان در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۸۴/۵۲ مترمربع که اعیان قسمتی از پلاک ۸۹۶ از ۸ اصلی و عرصه قسمتی از پلاک ۸ اصلی واقع در حومه بخش یک همدان به نشانی چشین خریداری مع‌الواسطه از مالکین رسمی آقایان امیرقلی شفیعی و محسن فرزند عابدین محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
حمید سلگی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۲۶۵۰۰۷ م الف: ۱۹۸۵

نوبت دوم

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جیرفت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۷۵۸۹ - ۱۴۰۵/۵/۱۰ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فهیمه گیلانی فرزند محمود ششدانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۵۲۵ مترمربع پلاک ۳۴ فرعی از ۵۶۲ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۵۶۲ - اصلی واقع در اراضی بندر ساردوئیه جیرفت بخش ۳۴ کرمان خریداری از مالک رسمی عبدالله رستمی ابوسعیدی محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۴۱۷۱ - ۱۴۰۵/۳/۱۲ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم آزیتا ماریکی مهنی فرزند امرالله ششدانگ یک قطعه باغچه و خانه به مساحت ۱. ۳۸۸ مترمربع پلاک ۹۶ فرعی از ۱۲۰۱ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۱۲۰۱ - اصلی واقع در اراضی پشت خوان دلفارد جیرفت بخش ۳۴ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد کمالی‌نژاد محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۶۰۲۸ - ۱۴۰۵/۰۴/۱۳ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مریم جهانبانی فرزند درویش در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۵. ۴۵۵ مترمربع پلاک ۳۲۶ فرعی از ۳۶۰ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۲۵۰ فرعی از ۳۶۰ - اصلی واقع در اراضی داروئیه جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی موسی جهانبانی محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۶۶۱۹ - ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ایرج خداد نژاد ساردوئی فرزند مختار در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰. ۱۲۰۷ مترمربع پلاک ۱۲۰ فرعی از ۴۵۶ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۴۵۶ - اصلی واقع در اراضی الله‌آباد هرندی علیاء جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی حبیب آبیار محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۶۰۹۴ - ۱۴۰۵/۰۴/۱۶ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی محمودی فرزند عباس در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر نخیلات به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع پلاک ۱۲ فرعی از ۴۹۸ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۴۹۸ - اصلی واقع در اراضی علی‌آباد ماریکی جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی حبیب‌الله امیر شجاعی محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۶۲۵۶ - ۱۴۰۵/۰۴/۱۷ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا حاتم‌پور زنگیان فرزند دادی در ششدانگ یک قطعه باغچه و خانه به مساحت ۸۹. ۵۴۸ مترمربع پلاک ۳۳۸ فرعی از ۵۴۵ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۵۴۵- - اصلی واقع در اراضی ده شیخ مرغزی جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد مشایخی محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۰۵۸۳۱ - ۱۴۰۵/۰۴/۰۹ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای افلاطون صالحی سربیژن فرزند ضیاء در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۸۷۴۸ مترمربع پلاک ۸۳۳ فرعی از ۵۵۱ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۱۶ فرعی از ۵۵۱ - اصلی واقع در اراضی هوکرد جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی ضیاء صالحی - عبدالله کردستانی - عیسی سالاری چینه - کریم بهزادی محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۱۴۰۲۰۱۸۸ - ۱۴۰۴/۰۹/۲۷ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن پگاه فرزند جمعه ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۱. ۴۵۰ مترمربع پلاک ۱۰۲۵۹ فرعی ۵۷۴ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۶۵ فرعی از ۵۷۴ - اصلی واقع در اراضی کلاغ آباد جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی حسین قریشی محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۴۹۹۵ - ۱۴۰۵/۳/۲۶ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا ساردوئی فرزند مراد ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر سقف سبک در حال احداث به مساحت ۳۵. ۲۰۴ مترمربع پلاک ۳۹۵۶ فرعی از ۵۷۹ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۲۶ فرعی از ۵۷۹ - اصلی واقع در اراضی رهجرد جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی سید اکبر هاشمی رضا محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۵۳۲۶ - ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم الهام دهقان فرزند خدامراد ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر اتاق به مساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک ۳۹۶۱ فرعی از ۵۷۹ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۱۳ فرعی از ۵۷۹-- اصلی واقع در اراضی رهجرد جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی خدامراد دهقان محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۱۴۰۰۵۸۴۷ - ۱۴۰۵/۰۴/۰۹ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمیدرضا امیری دوماری فرزند اسفندیار ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۳۲ مترمربع پلاک ۳۹۶۴ فرعی از ۵۷۹ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۲۶ فرعی از ۵۷۹-- اصلی واقع در اراضی رهجرد جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی حسین فرخی محرز گردیده است

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
محمد کردستانی
رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک جیرفت
شناسه آگهی: ۲۲۵۰۲۸۳

| دریافتی |

«پیام ما» پروژه واگذاری پنج هکتار از منابع‌طبیعی فارس برای کاشت گونه‌ای هیرکانی را بررسی می‌کند

سرخدار در زمیـــن غریب

کاشت سرخدار در شیراز از نظر سازگاری با اقلیم منطقه و مبنای قانونی اجرا با پرسش‌هایی جدی روبه‌روست

دیوارهایی به ارتفاع حدود سه متر، بخشی از دامنه یک عرصه طبیعی را محصور کرده‌اند. اینجا، در محدوده پارک جنگلی «یادبود شهدا» در شهرستان شیراز، حدود پنج هکتار از اراضی ملی در اختیار اجرای پروژه‌ای قرار گرفته که موضوع آن کشت گونه «سرخدار» عنوان شده است. سرخدار برای این منطقه گونه‌ای غیربومی است و اسناد رسیده به «پیام ما» نشان می‌دهد کمیته فنی دفتر امور مراتع سازمان منابع طبیعی کشور پیش‌تر با ورود این گونه به مراتع شیراز مخالفت کرده و بر ممنوعیت آن تأکید داشته است. بااین‌همه، کاشت سرخدار در قالب طرح مرتع‌داری به تصویب رسیده و عملیات عمرانی در این عرصه ادامه دارد.

| آمنه سپهرا
| خبرنگار |

در محدوده محصورشده، سه درِ آهنی بزرگ برای ورود و خروج تعبیه شده، جاده‌ای عریض به داخل آن کشیده شده و عملیات ساخت‌وساز نیز در حال انجام است. در بخش‌هایی از دیوار نیز محل نصب حفاظ‌های فلزی ضدعبور پیش‌بینی شده است. آنچه در این نقطه از سه‌راهی شهرستان بیضا شکل گرفته، عرصه‌ای تفکیک‌شده با دیوار، مسیر دسترسی و سازه‌های در حال احداث است؛ عرصه‌ای که قرار است محل اجرای پروژه کشت سرخدار باشد. اما این عرصه براساس چه طرحی در اختیار مجری قرار گرفته و چه مرجعی با واگذاری و محصورسازی آن موافقت کرده است؟ مبنای فنی انتخاب سرخدار برای این منطقه چه بوده و آیا پیش از واگذاری پنج هکتار، سازگاری این گونه با شرایط اقلیمی فارس در مقیاسی محدود و کنترل‌شده بررسی شده است؟ پیگیری‌های «پیام ما» نشان می‌دهد میان تصمیم استانی برای اجرای این پروژه و نظر صریح مرجع فنی بالادستی درباره منع ورود سرخدار به مراتع، ابهام‌های جدی وجود دارد. با وجود چندین نوبت تماس با مدیرکل و معاون فنی اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری فارس و همچنین پیگیری از روابط‌عمومی سازمان منابع طبیعی کشور، تاکنون پاسخی رسمی برای این ابهام‌ها ارائه نشده است.

رویشگاه‌های طبیعی سرخدار معمولاً بارندگی و رطوبت بیشتری دارند شرایطی که با اقلیم شیراز فاصله قابل‌توجهی دارد

اسناد اداری چه می‌گویند؟

براساس اسناد رسیده به «پیام ما»، موضوع کشت گونه سرخدار در کمیته فنی اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس مطرح و بررسی شده است.

صورت‌جلسه کمیته فنی منابع طبیعی فارس به تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که کشت این گونه در قالب طرح مرتع‌داری به تصویب رسیده است.

این در حالی است که مرجع بالادستی، یعنی کمیته فنی دفتر امور مراتع سازمان منابع طبیعی کشور، طی صورت‌جلسه‌ای و با استناد به نامه شماره ۱۴۰۴/۱۱/۱۴-۱۲/۱۴۰۴۳۴۶۴۷۸، به‌صراحت با کاشت گونه سرخدار در طرح مرتع‌داری در شیراز مخالفت کرده است. در این صورت‌جلسه به مصوبه جلسه شماره ۷۳ کمیته فنی اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس نیز استناد شده است.

در بخش مصوبات این صورت‌جلسه آمده است: «به استناد نامه شماره ۹۸/۶/۱۲ ... درخصوص منع کشت گونه درختی در عرصه‌های مرتعی و نیز بند ۶ راهنمای تهیه و اجرای طرح‌های مرتع‌داری و همچنین با توجه به گونه‌های درختی و درختچه‌ای بومی موجود در منطقه، از قبیل انجیر کوهی، آکاسیای...، ارغوان، آلو وحشی، سماق، عناب، سنجد، زرشک، بنه، زیتون، چرخ، گردو، بادام کوهی، داغداغان، گلابی وحشی، زالزالک و مورد، احیا و توسعه عرصه با گونه‌های مذکور امکان‌پذیر می‌باشد. لذا گونه مذکور از گونه‌های شاخص منطقه هیرکانی بوده، لذا پیشنهاد می‌گردد در صورت لزوم از ظرفیت نهالستان موجود جهت کاشت گونه مذکور با هماهنگی معاونت محترم امور جنگل اقدام و از ورود گونه مذکور به مراتع اکیداً خودداری شود.»

در اهمیت متن این سند همین بس که موضوع سرخدار در کمیته فنی صرفاً به‌عنوان عملیاتی اجرایی و ساده مطرح نشده است. در این سند، به ملاحظات مربوط به عرصه‌های مرتعی، گونه‌های بومی منطقه و جایگاه اکولوژیک گونه سرخدار توجه و تأکید شده است که از ورود آن به مراتع شیراز اکیداً خودداری شود.

این صورت‌جلسه نشان می‌دهد که درباره محل کاشت، نوع گونه و نحوه ورود آن به عرصه، ملاحظات کارشناسی ویژه‌ای وجود دارد. اما با وجود این منع مکتوب و صریح، عملیات آماده‌سازی و محصورسازی عرصه‌ای پنج‌هکتاری بر چه مبنایی ادامه پیدا کرده است؟ آیا این عملیات در چارچوب همان مصوبه انجام شده یا مجوز دیگری برای اجرای آن صادر شده است؟ اگر مجوز دیگری وجود دارد، چه مرجعی آن را صادر کرده و مبنای فنی و قانونی آن چه بوده است؟

اختلاف اقلیم؛ مسئله اصلی پروژه

گزارشی کارشناسی درباره ویژگی‌های اکولوژیک سرخدار که در منابع طبیعی تهیه شده، این گونه را یکی از ارزشمندترین گونه‌های جنگلی ایران و از بازماندگان جنگل‌های دوران سوم زمین‌شناسی معرفی می‌کند. براساس این گزارش، رویش طبیعی سرخدار (Taxus baccata L.) در ایران عمدتاً به جنگل‌های هیرکانی شمال کشور محدود است و رویشگاه‌های طبیعی آن در مناطقی از گلستان، مازندران، گیلان و ارتفاعات مرطوب البرز قرار دارند. در این بررسی، جمعیت طبیعی شناخته‌شده‌ای از سرخدار در استان فارس و جنوب کشور گزارش نشده است.

این تفاوت فقط به محل پراکنش گونه محدود نمی‌شود. رویشگاه‌های طبیعی سرخدار معمولاً بارندگی بیشتر، رطوبت بالاتر، تابستان‌های معتدل‌تر و خاک‌های مرطوب‌تری دارند. در مقابل، شهرستان شیراز با بارندگی محدود، تبخیر بالا، تابستان‌های گرم و طولانی و دوره‌های خشکی قابل‌توجه روبه‌روست.

این تفاوت اقلیمی، با استناد به گزارش کارشناسی، می‌تواند استقرار و بقای سرخدار در منطقه موردنظر را با چالشی جدی مواجه کند؛ چراکه موضوع فقط آب نیست. سرخدار گونه‌ای سایه‌پسند معرفی شده است که نسبت به گرمای شدید، خشکی خاک و تابش مستقیم نیز حساسیت دارد. بنابراین، اگر قرار باشد این گونه در منطقه‌ای با شرایط اقلیمی متفاوت از زیستگاه طبیعی خود مستقر شود، نیاز به مراقبت، آبیاری و ایجاد شرایط مصنوعی برای بقای آن افزایش پیدا می‌کند.

منابع طبیعی پاسخ نمی‌دهد

«پیام ما» برای روشن‌شدن ابهام‌های موجود، پس از گذشت یک ماه، چندین مرتبه با مسئولان منابع طبیعی استان فارس تماس گرفت. در این مدت، پیگیری‌هایی از مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس انجام شد، اما پاسخی به تماس‌ها و پیام‌های ارسال‌شده داده نشد. معاون فنی اداره‌کل نیز در پاسخ به پیگیری خبرنگار، موضوع را به برگزاری جلسه موکول کرد. با وجود ادامه تماس‌ها و پیگیری‌های خبرنگار، پاسخی به پرسش‌های مطرح‌شده ارائه نشد.

در ادامه، موضوع برای پیگیری به روابط‌عمومی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور منتقل شد. روابط‌عمومی این سازمان نیز بر پیگیری از مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس تأکید کرد. بااین‌همه، تا لحظه تنظیم این گزارش، هیچ پاسخ رسمی‌ای از سوی سازمان منابع طبیعی کشور و اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس به پرسش‌های «پیام ما» داده نشده است.

افکار عمومی در انتظار پاسخ به ابهام‌ها

حالا افکار عمومی منتظر پاسخ به این پرسش‌هاست: چرا در محدوده پارک جنگلی «یادبود شهدا» واگذاری انجام شده است؟ مجری طرح کاشت سرخدار چگونه وارد طرح مرتع‌داری شده و نام او به شناسنامه مرتع اضافه شده است؟ آیا مجری، مطابق دستورالعمل، سابقه دامداری دارد؟

پرسش دیگر افکار عمومی، اهلیت مجری برای اجرای پروژه‌ای کاملاً فنی و تجربه‌نشده در شیراز و چگونگی فرایند احراز این اهلیت است.

سؤال دیگر این است که براساس کدام دستورالعمل، برای پروژه‌ای در قالب طرح مرتع‌داری، احداث دیوارهای بلند و ساختمان‌سازی که به‌صراحت موجب تفکیک عرصه می‌شود، تجویز شده است؟

همچنین، دلیل بی‌اعتنایی کمیته فنی منابع طبیعی فارس به منع مؤکد و صریح مندرج در مکاتبات سازمان منابع طبیعی کشور چیست؟

تکلیف خسارت واردشده به پوشش گیاهی و خاک، ناشی از جاده‌سازی، دیوارکشی و محصورسازی عرصه پنج‌هکتاری، چه می‌شود؟

هشدار درباره انتقال سرخدار به فارس

«مرتضی ابراهیمی رستاقی»، کارشناس جنگل و مرتع و عضو پیشین شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری کشور، معتقد است هر گونه‌ای که با هدف تحقیق یا توسعه به منطقه‌ای منتقل می‌شود، باید با ویژگی‌های اکولوژیک آن منطقه سازگاری داشته باشد. در غیر این صورت، اجرای طرحی که از ابتدا بر مبنای علمی مستحکمی استوار نیست، جز اتلاف زمان و منابع نتیجه‌ای نخواهد داشت.

او به «پیام ما» توضیح می‌دهد: «سرخدار گونه‌ای است که در منطقه هیرکانی و ارسباران حضور دارد. این گونه در منطقه ارسبارانی در سطحی حدود هزار هکتار، یا دقیق‌تر، نزدیک به ۹۰۰ هکتار، می‌روید. در این رویشگاه، ممرز اشکوب بالایی را تشکیل می‌دهد و سرخدار در اشکوب پایین قرار دارد. در چنین شرایطی، نور به‌صورت الک‌شده (فیلترشده) به کف جنگل می‌رسد و به‌دلیل تراکم پوشش بالایی، سایه سنگینی بر محیط حاکم است.»

نویسنده کتاب «جنگل‌شناسی زاگرس» با تأکید بر اینکه سرخدار به‌شدت سایه‌پسند است و در زیستگاه طبیعی خود در شرایطی رشد می‌کند که در معرض نور مستقیم و شدید قرار نگیرد، ادامه می‌دهد: «بررسی سازگاری سرخدار در فارس، بدون توجه به تفاوت‌های بنیادین میان زیستگاه طبیعی این گونه و شرایط اقلیمی استان، از ابتدا بر فرضیه‌ای نادرست استوار است. حتی اگر هدف، احیای جنگل‌های تخریب‌شده باشد، انتقال این گونه به عرصه‌های خشک و بدون پوشش، مانند عرصه‌ای که واگذار کرده‌اند، هیچ توجیه علمی و منطقی ندارد. در چنین شرایطی، نه سایه لازم وجود دارد و نه رطوبت و اقلیم مناسب برای استقرار گونه فراهم است.»

به گفته او، با وجود این شرایط، اگر هدف از کاشت سرخدار بهره‌برداری از ارزش دارویی آن است، منطقی‌تر است که این اقدام در رویشگاه طبیعی گونه انجام شود. «می‌توان در همان رویشگاه، با رعایت ضوابط حفاظتی و تحت نظارت، عرصه‌ای را برای مدت مشخص و در چارچوب طرح‌های قانونی در اختیار بهره‌بردار قرار داد تا گیاه دارویی کشت و برای مصارف موردنظر استفاده شود.» از نگاه او، انتقال گونه به منطقه‌ای نامتناسب، صرفاً برای آزمودن امکان رشد آن، از نظر علمی موضوعیت ندارد؛ «همان‌گونه که نمی‌توان بدون دلیل موجه، طرحی برای بررسی رشد راش در جاده قم پیشنهاد کرد.»

ابراهیمی رستاقی با اشاره به تجربه طرح‌های مشابه می‌گوید چنین رویکردهایی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته باشد. او طرح «طوبا» را نمونه بارز این نگاه می‌داند؛ «طرحی که در ابتدا براساس دستورالعملی برای تلفیق گونه‌های درختی و باغی تهیه شد، اما بعدها با تغییر دستورالعمل و تدوین آیین‌نامه اجرایی، به بخش‌های مختلفی مانند بخش‌های «الف» و «ب» تقسیم شد. در برخی تبصره‌ها، امکان واگذاری دائمی عرصه‌ها پیش‌بینی شد و همین موضوع مورد سوءاستفاده قرار گرفت. در نتیجه، بخش‌های وسیعی از منابع طبیعی و ملی کشور تحت عنوان طرح طوبا واگذار شد و امروز در بسیاری از همان عرصه‌ها ویلا ساخته شده است.»

او می‌افزاید: «اگر قرار باشد سرخدار برای فضای سبز یا اهداف دارویی به منطقه‌ای منتقل شود، باید شرایط مناسب آن از پیش فراهم شده باشد؛ به این معنا که پوشش لازم برای ایجاد سایه وجود داشته باشد و اقلیم منطقه نیز خشک نباشد. اقلیم فارس، به‌ویژه در بخش‌هایی که در محدوده رویشی ایران و تورانی قرار می‌گیرند، تفاوت اساسی با زیست‌بوم‌های مرطوب و سایه‌دار هیرکانی و ارسبارانی دارد.»

این عضو پیشین شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری کشور تأکید می‌کند: «منطقه ایران و توران یکی از خشک‌ترین مناطق رویشی ایران است و حتی با آبیاری نیز نمی‌توان رطوبت نسبی موردنیاز این گونه را به‌طور کامل تأمین کرد. نیازهای سرخدار تنها به آب محدود نمی‌شود؛ این گونه نور شدید را نیز تحمل نمی‌کند. بنابراین، پیش از هرگونه انتقال یا اجرای طرح تحقیقاتی، باید نیازهای اکولوژیک سرخدار با شرایط اقلیمی، نوری و رطوبتی استان فارس به‌دقت مقایسه شود.»

طبق گفته این کارشناس جنگل، اگر این انطباق وجود نداشته باشد، نتیجه از ابتدا قابل‌پیش‌بینی است؛ گونه‌ای که برای زیست در سایه و رطوبت بالا سازگار شده است، در اقلیم خشک و زیر نور شدید شانس موفقیت پایینی خواهد داشت و «اجرای چنین طرحی، بیش از آنکه دستاورد علمی یا اجرایی داشته باشد، به اتلاف منابع و تکرار تجربه‌های ناموفق گذشته منجر خواهد شد.»

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره‌کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان

قوه قضائیه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقدسند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۹۰۱۰۰۰۶۲۸۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم محمدقاسمی فرزند مجید بشماره شناسنامه ۵۲۰۰۰۷۷۷۴۵ و شماره ملی ۵۲۰۰۰۷۷۷۴۵ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۷/۱۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵۱ فرعی از ۱ اصلی واقع در بخش ۰۲ شاهرود خریداری مع‌الواسطه از عزت‌الله عربعامری محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۹۰۱۰۰۰۶۲۸۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم سعید نوروزی فرزند علی بشماره شناسنامه ۲۲۵ و شماره ملی ۴۵۹۰۶۱۸۶۲۱ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۴/۲۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵۱ فرعی از ۱ اصلی واقع در بخش ۰۲ شاهرود خریداری مع‌الواسطه از عزت‌الله عربعامری محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۹۰۱۰۰۰۶۲۹۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم سید تقی موسوی فرزند سید مقیم بشماره شناسنامه ۴۵۸۰۲۷۵۹۴۲ و شماره ملی ۴۵۸۰۲۷۵۹۴۲ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۲/۳۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵۱ فرعی از ۱ اصلی واقع در بخش ۰۲ شاهرود خریداری مع‌الواسطه از عزت‌الله عربعامری محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۹۰۱۰۰۰۶۲۹۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم شهربانو گرزالدین فرزند عباسعلی بشماره شناسنامه ۱۱۰۵ و شماره ملی ۴۵۷۸۸۸۸۷۲۱ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵۱ فرعی از ۱ اصلی واقع در بخش ۰۲ شاهرود خریداری مع‌الواسطه از عزت‌الله عربعامری محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ دوشنبه - تاریخ انتشار نوبت دوم: : ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ سه‌شنبه
حمیدرضا حسین‌پور - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان شاهرود
شناسه آگهی:۲۲۵۶۸۸۳

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه دوساری

قوه قضائیه

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۰۴۵۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه سید مجتبی ابراهیمی سوته ء فرزند سید علی به شماره ملی ۲۰۹۳۰۲۸۹۴۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی پلاک ۲۳۳۲ فرعی به مساحت ۲۹۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۳ - اصلی واقع در قریه فرح‌آباد بخش ۵ ثبت ساری

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
یاسر ملکی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت منطقه دو ساری
شناسه آگهی:۲۲۵۴۶۵۲

نوبت اول

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه)

کد فرخوان ۲۰۰۵۰۹۱۹۹۰۰۰۰۰۱۶ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران - منطقه کرمان

شرکت ملی پخش فرآورده های ایران/ منطقه کرمان درنظر دارد پیمان مشروح ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تماس : ۱۴۵۶ / دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ می باشد . لذا از متقاضیان شرکت د رمناقصه دعوت بعمل میاید جهت دریافت اسناد مناقصه با درنظر داشتن مدارک مندرج در ذیل ، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نمایند.

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار (ریال)	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد	تاریخ بارگزاری پاکات در سامانه‌ستاد(مهلت ارسال پیشنهاد)	زمان جلسه توجیهی	تاریخ بازگشایی اولیه پاکات ارزیابی کیفی	زمان بازگشایی پاکات نرخ پیشنهادی
مناقصه واگذاری حجمی / زمانی انبار نفت ناحیه رفسنجان	۱/۴۵۰/۰۵۱/۵۰۱/۰۵۷/-	۵۴/۳۸۱/۰۳۰/۰۲۱/-	از تاریخ چاپ آگهی ۱۴۰۵/۶/۹ تا تاریخ ۱۴۰۵/۶/۱۵	۱۴۰۵/۶/۲۹	۱۴۰۵/۶/۱۶ سالن جلسات منطقه ساعت ۱۰	۱۴۰۵/۶/۳۰ ساعت ۸	۱۴۰۵/۷/۷ ساعت ۱۱

نوع تضمین	ارائه یک فقره ضمانت نامه معتبر بانکی از بانکهای معتبر (به غیر از پست بانک ، بانک گردشگری) یا با واریز نقدی مبلغ فوق به شماره حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۴۶۰۰۶ به شماره شبا IR530170000002172588046006 بانک ملی ایران بنام شرکت ملی پخش فراورد های نفتی منطقه کرمان (کداقتصادی شرکت : ۴۱۱۱۱۱۷۱۳۹۷۹ / شناسه ملی شرکت: ۱۰۱۰۱۱۲۲۹۰۴)
محل گشایش پیشنهادها	کرمان چهارراه خواجو جنب زمین ورزشی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمان تلفن ۳۲۵۳۱۱۹۱ - ۰۳۴
شرایط عمومی و مدارک مورد نیاز برای شرکت در مناقصه	دارا بودن و ارائه گواهی تائید صلاحیت معتبر از اداره کل تعاون ، کار و رفاه امور اجتماعی (شرکتهایی حق حضور در مناقصه را دارند که دارای رتبه بندی طرح طبقه بندی مشاغل کارگری مورد تائید وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی در موضوع مناقصه و پیمان (حسب مورد) باشند)/ دارا بودن و ارائه گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون ، کار و رفاه امور اجتماعی /ارائه تصویر کارت ملی و شناسنامه مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره شرکت ، تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت ، تصویر آگهی تاسیس شرکت ، گواهی آخرین تغییرات در روزنامه رسمی ، سوابق شغلی و تحصیلی مدیر عامل و اعضاء هیئت مدیره ، گواهی صاحبان امضاء مجاز شرکت و مشخصات هویتی شرکت (گواهی کد اقتصادی و شناسه ملی) ، ارائه اسناد مبنی بر ارتباط موضوع مناقصه با اساسنامه شرکت ، ارائه گواهینامه معتبر ثبت نام در نظام مالیات و عوارض ارزش افزوده / عدم وجود سوء عملکرد در پیمانهای سنوات گذشته / عدم ممنوع المعامله بودن در سطح کلیه شرکتها (در صورت قرارداشتن در لیست شرکتهای ممنوع المعامله ، سپرده شرکت در مناقصه به نفع مناقصه گزار ضبط خواهد گردید)/ احراز امتیاز قابل قبول بر اساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی ، ایمنی و زیست محیطی (HSE) / ارائه صورت های مالی حسابرسی شده دوسال آخر / کلیه مدارک و مستندات مهمور و می بایست به تائید مدیر عامل شرکت رسیده باشند. / مسئولیت صحت مستندات ارائه شده برعهده متقاضی شرکت در مناقصه بوده و در هرمرحله از مناقصه و فرآیند پس از آن جهت عقد قرارداد ؛ صحت آنها برای شرکت محرز نگردد مناقصه و قرارداد ابطال و ضمانت نامه های ارائه شده ضبط می گردد. / تکمیل فرم های استعلام ارزیابی کیفی و الصاق نمودن کلیه مستندات مرتبط در سامانه ستاد / برنده مناقصه مکلف به ارائه اصل یا کپی برابر با اصل مستندات بارگزاری شده می باشد و در صورت هرگونه تناقض برابر قوانین و مقررات برخورد خواهد شد. لازم به ذکر می باشد حداقل امتیاز مورد قبول کمیته فنی بازرگانی ۶۰ می باشد. / ارزیابی تجربی و حسن سابقه در قراردادهای مشابه در ۱۰ سال گذشته صرفاً قراردادهای خاتمه یافته قابل بررسی می باشد.
تاریخ چاپ آگهی	نوبت اول آگهی روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۹ و نوبت دوم آگهی روز سه شنبه ۱۴۰۵/۶/۱۰
توضیحات	کلیه مدارک شرایط عمومی در سامانه به همراه فرمهای ارزیابی کیفی بارگزاری گردد. از بارگزاری مدارک تکراری و غیرمرتبط با موضوع مناقصه در سامانه ستاد خودداری گردد تمامی صفحات داخل فایلهای بارگزاری شده در سامانه ستاد پشت سرهم و به ترتیب شماره گذاری گردد.

آگهی های فوق قابل مشاهده در سایت های :
http://Monaghese.niopdc.ir http://IETS.MPORG.ir http://Kerman.niopdc.ir

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۶/۰۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۱۰

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمان

شناسه آگهی:۲۲۶۱۵۴۱

«پیام ما» از نشست «تله‌های فضایی فقر» گزارش می‌دهد

سکونتگاه‌های غیررسمی در تله فقـــر دانش

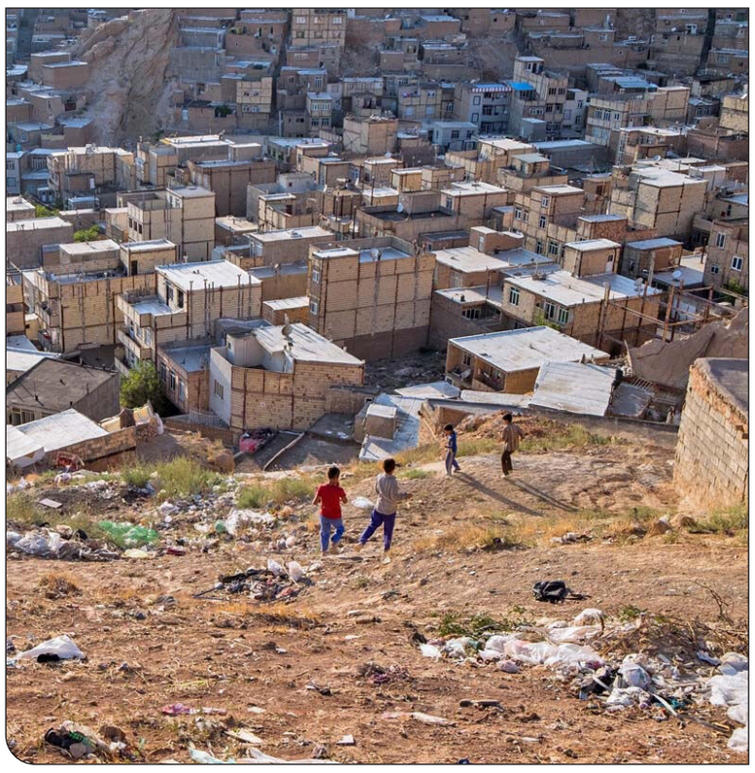
| ایرنا |

| پیام ما | وقتی از سکونتگاه‌های غیررسمی حرف می‌زنیم، عمدتاً تصاویر زاغه‌نشینان یا حاشیه‌نشینان به ذهن می‌رسد؛ درحالی‌که براساس ادبیات رسمی، ساکنان این نوع سکونتگاه‌ها که عمدتاً مهاجران روستایی یا محرومان جامعه شهری هستند، گاهی درون محدوده‌های شهری نیز زندگی می‌کنند. براساس آنچه در پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی آمده است، این نوع سکونت عمدتاً به مناطقی اطلاق می‌شود که خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانون توسعه شهری و گاهی بدون مجوز در شهرها شکل گرفته‌اند. نداشتن مالکیت رسمی و محرومیت از خدمات وزیرساخت‌های شهری، ازجمله ویژگی‌های این نوع سکونت است. در دنیا بیش از ۴۲ درصد جمعیت کشورهای درحال‌توسعه در این نوع سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت در دنیا از هر ۶ نفر، یک نفر ساکن سکونتگاه غیررسمی است.

در ایران تاکنون چند سند با رویکرد توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تدوین شده است. این سندها شامل مجموعه اقداماتی است که برای ساماندهی فضایی بافت‌های غیررسمی پیشنهاد می‌شود و باید رویکردی از پایین به بالا داشته باشد؛ برنامه‌هایی که باید همه اقشار محروم و فقیر جامعه را در تعیین سرنوشت خود شریک کنند و علاوه‌بر ارتقای زیرساخت‌های خدمات شهری، پروژه‌هایی برای توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، نظیر کودکان و معلولان، داشته باشند.

اما سؤال اینجاست که اسناد توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران تا چه اندازه این کارکردها را پیدا کرده‌اند؟ «کمال اطهاری»، پژوهشگر اقتصاد سیاسی، معتقد است رویکردها باید از دست‌گیری فقرا به‌سمت رویکردهای دانش‌بنیان بروند. او با انتقاد از نگاه حاکم بر فعالان مدنی و سیاسیون، رویکردها و اقدامات را آماتوری می‌خواند که دانش را به خرد تبدیل نمی‌کنند.

«حمید رمضانی»، رئیس پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاددانشگاهی، نیز با مرور اسناد نوشته‌شده در این حوزه، آخرین سند را مطلوب‌ترین گزینه می‌داند که در آن رویکرد نهادسازی شکل گرفته است. اجرای این سند از خرداد امسال آغاز شده است و به همین بهانه، نشستی در خانه آفرینش‌های شهری ایران (وارطان) برگزار شد تا درباره این سند و تله‌های فضایی فقر گفت‌وگو شود. «پیام ما» بخش‌هایی از این نشست را پوشش داده است که در ادامه می‌خوانید.

تغییر نگاه به سکونتگاه‌های غیررسمی

| اکمال اطهاری |
| پژوهشگر اقتصاد سیاسی |

سکونتگاه‌های غیررسمی وقتی از داخل شهر به بیرون شهر می‌روند، بخت‌های بازار از دست می‌رود و افراد از مدارس و خدمات متعارف دور می‌شوند. بعد از انقلاب، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران کم‌نظیر است و دولت فخیمه هم سکونتگاه‌های غیررسمی را فراموش کرده بود.

از نظر من، تمام حاکمیت به‌علاوه روشنفکرانی که در دهه اول انقلاب در حاکمیت بودند، معتقد بودند چون شاه می‌خواسته روستاها را نابود کند، ساکنان آنها مهاجرت کرده‌اند. این نگاه رایج بود. به کسانی هم که مهاجرت می‌کردند، با دیده فراریان از جبهه جنگ نگاه می‌کردند. هنوز هم این نگاه وجود دارد. خاطرم است که در دولت آقای رئیسی نیز وزیر کشور همین صحبت‌ها را مطرح کرده بود و من بلافاصله او را نقد کردم. من در همان سال‌های دهه ۶۰ نوشتم که رابطه بین افزایش تولید کشاورزی و اشتغال کشاورزی منفی است. در یک دوره کوتاه، اشتغال کشاورزی افزایش پیدا می‌کند؛ آن‌هم با صنعتی‌کردن. در ابتدای قرن بیستم، ایالات متحده ۲۰ میلیون کشاورز داشت. اکنون ۲.۹ میلیون کشاورز دارد. با این تعداد هم می‌تواند نیازهای کشورش را برآورده کند و هم محصول به دنیا صادر کند. در ایران، شاغلان بخش کشاورزی ما بین ۳.۹ میلیون تا ۴.۵ میلیون نفرند. ما در ایران بین ۵۰ تا ۶۰ درصد مواد غذایی‌مان را وارد می‌کنیم.

این موضوع در چارچوب پیش‌نگری می‌گنجید. وقتی پیش‌نگری نداشته باشید، این اقدامات را انجام می‌دهید، مقدار زیادی هزینه می‌کنید و جاده‌ها را هم نمی‌توانید نگهداری کنید. بعد مهاجرت نیز صورت می‌گیرد. تخلیه روستاها اکنون بیشتر از گذشته است؛ چون فقر در دورانی که همه فقیرند، قابل‌تحمل است، ولی فقر در زمانی که دیگر همه فقیر نیستند و امکانات بیشتری به وجود آمده است، قابل‌تحمل نیست. این وضع به شورش هم می‌انجامد. این موضوع درواقع تله دانش است.

هنوز هم این تله دانش وجود دارد؛ یعنی شما کار می‌کنید و می‌نویسید. من می‌گویم از سال ۶۹ یا ۷۰ این موضوع را نوشته‌ام، ولی هنوز به‌عنوان شعور «کانسنس» در جامعه ما وجود ندارد؛ در حاکمیت وجود ندارد و در اپوزیسیون هم وجود ندارد. آن موقع اپوزیسیون می‌گفت سکونتگاه‌های غیررسمی ناشی از امپریالیسم است. اگر ما امپریالیسم را بزنیم، آن‌وقت سکونتگاه‌ها از بین می‌روند.

این تفکر سبب می‌شود برای ساماندهی این سکونتگاه‌ها اقدام نکنند و درواقع نه پیشگیری صورت می‌گیرد و نه پیش‌نگری. هرسال رگ‌های گردن برای حداقل مزد کلفت می‌شود؛ درحالی‌که اکنون ۶۰ درصد نیروی کار شهری از شمول قانون کار خارج است و حداقل مزد نمی‌گیرد. روستایی‌ها هم همین‌طورند؛ یعنی آنهایی که نمی‌توانند حداقل مزد بگیرند، در سکونتگاه‌های غیررسمی هستند. فقط ۱۲ درصد روستایی‌ها بیمه بازنشستگی دارند. اگر بهره‌برداران کشاورزی را نیروی کار هم حساب کنیم، حداقل ۲۰ درصد جمعیت کشور بیمه بازنشستگی ندارند.

ولی شما گفتمانی درباره اینکه سیاست اجتماعی جدید و فراگیری به وجود بیاید و این افراد را دربر بگیرد، نمی‌بینید. پس نه حکومت با دانشی داریم و نه اپوزیسیون با دانشی داریم. پس این جامعه به چه درد می‌خورد؟

من تقریباً تمام ایران را برای سکونتگاه‌های غیررسمی گشته‌ام. شاید نسل جدید من را ندیده باشد، اما متوجه شدم که اکثریت بدنه دیوان‌سالاری ایران می‌خواهد برای مردم کار کند. درواقع گردش کار اداره این است که بتواند برای جامعه کار کند، اما گردش خوبی هم در آن اتفاق نمی‌افتد. این را دیده‌ام.

ولی این دانش منتقل نمی‌شود. درباره استادان دانشگاه نیز همین‌طور است. این دانش منتقل نمی‌شود، چون نوعی رسوایی برای خودشان است. من ابایی ندارم اینجا بگویم که آنها آسه می‌روند و آسه می‌آیند تا گربه شاخشان نزند. این دانش را منتقل نمی‌کنند. خیلی‌ها برای مصاحبه دکتری و فوق‌لیسانس پیش من می‌آیند و من می‌بینم که اینها اصلاً نه سند خوانده‌اند، نه طرح جامع خوانده‌اند و نه چیزی بلدند. حالا این هوش مصنوعی هم یک مصیبت شده است.

تئوری دانش می‌گوید شما اطلاعات را به دانش تبدیل می‌کنید. اطلاعات جمع می‌کنید و نظریه‌پردازی می‌کنید که دانش می‌شود. دانش را جمع می‌کنیم و به خرد تبدیل می‌کنیم تا بتوانیم تمیز بدهیم. درواقع خرد یعنی سیاستی برای سعادت بشر که از دانش استخراج می‌شود. این همان چیزی است که پزشک فردوسی همیشه بر آن تأکید دارد و میان بد و خوب برای بشر تمیز می‌دهد.

دانش وقتی وارد جامعه می‌شود، سیاست را می‌چرخاند. هوش مصنوعی این خرد را محو می‌کند. درواقع دانش را به اطلاعات سطحی تبدیل می‌کند و عاملیت انسان را هم از بین می‌برد. تمیز میان خوب و بد را از بین می‌برد.

من وقتی به دانشجویان می‌رسم، ابتدا از آنها می‌خواهم بگویند چه سندی را کار کرده‌اند. متوجه می‌شوم سندی نیست که ندیده باشند، زیرا همه را به هوش مصنوعی داده‌اند. بعد با آنها حرف می‌زنیم و می‌بینیم از دانش تهی هستند و صرفاً از مفاهیم اطلاعاتی دارند، اما گم شده‌اند؛ شبیه آدمی که در جنگل گم شده است.

پیش از جلسه هم به دوستان گفتم اگر موضوع مردم را در دستور کار قرار ندهیم، همه، از فعال مدنی گرفته تا دیگران، آماتورند. شما با فعال مدنی حرف می‌زنید؛ می‌گوید من در حوزه کودکان کار فعالیت می‌کنم. من می‌گویم این کودکان کار مدام زیاد می‌شوند و شما به‌عنوان فعال مدنی باید به مقوله پیشگیری و پیش‌نگری بپردازید. نمی‌توانید، چون آماتورید. این البته به این معنا نیست که فعالیت آماتورها ارزشمند نیست. در کشور هرکسی فعالیت اجتماعی کند، هزینه می‌دهد.

اما بگذارید درباره این آماتوربودن مثالی بزنم. کوهنورد آماتور در همان ابتدای مسیر بلایی سرش می‌آید. خوب راه را انتخاب نمی‌کند و جسارت‌های بی‌خودی می‌کند. اما کوهنورد حرفه‌ای، اگر مشکلی هم برایش رخ بدهد، در بالادست قرار دارد و درواقع راه را نشان می‌دهد. خطری را هم که وجود دارد به دیگران نشان می‌دهد تا بقیه از آن اجتناب کنند. دانش بشر هم همین است.

در تمام حوزه‌ها وقتی فعالیتی صورت گرفته، درواقع در مرحله پساپیدایش بوده است؛ مثلاً وقتی قرار است اقدامی کنند یا چیزی را بسازند، جمع می‌شوید. گاهی البته می‌توان در این مرحله پساپیدایش جلوی اقداماتی را گرفت، اما گاهی هم نمی‌توان. در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی هم همین‌طور است. کارهایی که تاکنون انجام شده، در حوزه «اکسپوز» است؛ درواقع دست‌گیری از فقیر است و موضوع توسعه‌بخشی نیست. البته در بازنگری سند توانمندسازی، موضوع را از دست‌گیری فقرا خارج کردیم.

من مقاله‌ای درباره موضوع آب نوشتم. موضوع آب در ایران خشک‌سازی بوده است، نه خشکسالی. چرا؟ برای اینکه شورای انقلاب یک کار ابلهانه می‌کند و هیچ‌کدام از حضرات مقابلش نمی‌ایستند. آن اقدام، انحلال شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی و شرکت‌های سهامی زراعی بوده است. خرده‌مالکی جایگزین فرایندی می‌شود که براساس آن، برخلاف کره‌جنوبی، اینها باید به تعاونی تبدیل می‌شدند.

یک فعال محیط زیست نباید به این موضوع بپردازد؟ شاید در جایی صحبت‌هایی مطرح شود، اما ارتباطی با موضوع توسعه پیدا نمی‌کند. سیاسیون هم همین‌طورند. سیاسیون می‌گویند اگر دموکراسی برقرار شود، همه‌چیز خوب می‌شود. در همین راستا، در جلسه‌ای اشاره کردم که این حرف عین وردی است که غول چراغ جادو به علاءالدین یاد داد تا آن ورد را بخواند و در چاه پر از گنج و طلا کنار برود. اما واقعیت اینجاست که با یک دموکراسی و یک رأی، این اتفاقات رخ نمی‌دهد.

درواقع امر اجتماعی بر امر سیاسی مقدم است؛ یعنی شما باید از جامعه به سیاست برسید. از آن طرف نمی‌رسید. اکنون همه می‌گویند رضاشاه از بالا دست به اقدام زد؛ شما هم همین کار را می‌کنید. موضوع بعد این است که دانش یک‌شبه تولید نمی‌شود.

نهاد با قانون متفاوت است. نهاد یعنی اشتراک فکری درباره ارزش‌ها و روش‌ها. نهاد در ایران بد ترجمه شده است. نهاد یعنی رابطه اجتماعی میان مردم که انعکاسش قانون است. شما وقتی ارزش‌های مشترک دارید، نوروز را جشن می‌گیرید و این به قانون هم نیاز ندارد. وقتی این توافق را میان مردم برده باشید، دموکراسی به وجود می‌آید. دموکراسی به یک شب رأی‌دادن نیست. در سندی که کار کردیم، موضوع نهادسازی را به‌جای گذراندن قانون در ایران گذاشتیم؛ چون نهادسازی در ایران با قانون اشتباه گرفته می‌شود. در مجلس قانون‌گذاری پراکنده می‌کنند و ما هم شاهد آن هستیم. مدام قانون می‌گذارند، بدون اینکه مدل قانون‌گذاری داشته باشند.

روشنفکران مشروطه مدل قانون‌گذاری داشتند. قانون آنها ناسخ و منسوخ ندارد. من در بخش مسکن این موضوع را دیدم که زبده است و ناسخ و منسوخ ندارد.

اما اهمیت موضوع نهادسازی در سند چیست؟ نهادسازی از مدل شروع می‌شود. مثل امروز که بخواهید هر دستگاهی را بسازید، اما مدل آن را طراحی نکرده باشید. مثلاً ساختمان‌سازی را در نظر بگیرید؛ مدل را طراحی نکنید، اما ساختن آن را آغاز کنید. نتیجه می‌شود ایران با قانون‌گذاری پراکنده. اینها با هم نمی‌خوانند و وقت و انرژی تلف می‌شود. این تله دانش است.

بعضی وقت‌ها با بعضی از دوستان دعوایمان می‌شد و به من می‌گفتند من زیادی کلان‌نگرم، اما من می‌گویم اگر شما در چارچوب کار نکنید، مسئله از دست می‌رود. این‌طور نیست که پرداختن به مردم یعنی از محله شروع کردن. باید دستگاه و مدل داشته باشید و ما این را در بازنگری جدید سند هم انجام دادیم. پیش‌تر اختلاف‌نظر نمی‌گذاشت این اتفاق بیفتد.

موضوعی را همان ابتدا گفتم؛ باید مدل توسعه داشته باشید. اگر مدل توسعه نداشته باشید، قانون‌گذاری و نهادسازی درباره سکونتگاه‌های غیررسمی به درد نمی‌خورد. مدل توسعه هم باید مربوط به امروز و دانش‌بنیان باشد. جهان وارد اقتصاد دانش شده است. کشورهایی که وارد پسادانش نشوند، فاصله‌شان با دیگر کشورها شبیه دوران قاجار می‌شود.

سندها و برنامه‌ها با سکونتگاه‌های غیررسمی چه کردند؟

| احمید رمضانی |
| رئیس پژوهشکده فرهنگ
هنر و معماری جهاددانشگاهی |

من در این مجال بیشتر به اسنادی می‌پردازم که در این زمینه وجود دارند. ما در ایران تجربه تدوین سه سند توسعه شهری در ارتباط با بافت‌های به‌اصطلاح ناکارآمد را داریم که این تجربه در دنیا کم‌نظیر است. درواقع تقریباً هر دهه یک سند تدوین شده است.

اوایل دهه ۸۰، سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با همکاری بانک جهانی شکل گرفت و تأثیر شگرفی بر مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران گذاشت. شاید بزرگ‌ترین تأثیرش این بود که این پدیده را از یک معضل به یک مسئله تبدیل کرد. در ادامه آن نیز ساختار نهادی فرابخشی ستادها شکل گرفت. برای حدود ۱۱۰ یا ۱۱۵ شهر، طرح‌های بهسازی تهیه شد و مسیری برای اقدام در این زمینه آغاز شد.

می‌توانیم بگوییم شاید تفاوت کیفیت سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران با آنچه در دنیا به‌نام زاغه شناخته می‌شود، نتیجه تأثیرگذاری این بخش بود. تجربه بسیار خوب و ارزشمندی بود. جلوتر مسکن مهر شکل گرفت که تا اندازه‌ای این سند را به حاشیه برد.

اوایل دهه ۹۰، سند موسوم به بازآفرینی شکل گرفت. رویکرد بازآفرینی نیز یک دهه تلاش کرد و نشستن در مسیر توسعه شهری را با خود همراه کرد. این نگاه در برنامه ششم نشست و برنامه ملی بازآفرینی شکل گرفت. هزار و ۳۳۴ محله در مسیر اقدام قرار گرفتند و «برنامه جامع اقدام مشترک» به‌عنوان یک تجربه «یونیک» و بسیار خاص شکل گرفت. دستگاه‌ها برای بهسازی بافت‌ها گرد هم آمدند و اقدام کردند. این هم واقعاً در دنیا تجربه کم‌نظیری است که این تعداد اقدام شکل بگیرد.

وقتی به اواخر برنامه ششم می‌رسیم، در خود برنامه ششم دیده می‌شود که سکونتگاه‌های غیررسمی، مسائلی متفاوت از بافت‌های تاریخی دارند. ماده ۱۲۰ حکم می‌کند که این سند تهیه شود. اوایل سال ۱۳۹۹ تدوین این سند آغاز شد و سال ۱۴۰۲ به تصویب هیئت دولت رسید. این فرایند تغییر دو دولت را به خود دید. اگر اشتباه نکنم، سه وزیر راه و شهرسازی جابه‌جا شدند، ولی تجربه ارزشمندی شکل گرفت.

این سند به‌واسطه تهیه یک برنامه و یک سند توسعه اهمیت دارد. استاد می‌گویند این سند را بخوانید. این سند شاید یکی از مهم‌ترین اسناد توسعه شهری باشد؛ زیرا انباشت حداقل چهار دهه دانشی که در این مسیر شکل گرفته، در آن تبلور پیدا کرده است. این سند چنان ظرافت‌های خاصی دارد که در این جلسه، فضا و فرصت گفت‌وگو درباره جزئیات آن وجود ندارد. نکات ظریفی در خود دارد که واقعاً و بدون تعارف کم‌نظیر است. برای همین تأکید وجود دارد که این سند بیشتر خوانده شود و بیشتر موردتوجه قرار بگیرد.

افراد بسیاری درباره واژه‌به‌واژه این سند نظر دادند و گفت‌وگو کردند تا این سند به جایگاهی رسید که به سند ملی تبدیل شد. ملی‌شدن سند از منظر نهادسازی، خود یک پروژه است. اسناد قبلی شاید بیشتر سند وزارت راه و شهرسازی تلقی می‌شدند، ولی این سند دیگر یک سند ملی است و سهم بازیگران در آن مشخص شده است.

شما وزارت تعاون، سازمان برنامه، وزارت کشور و وزارت راه و شهرسازی را می‌بینید. ظرافت‌های نهادی نشان می‌دهد این بازیگران برای اجرای این برنامه چگونه کنار هم به توافق و اشتراک در همکاری می‌رسند، این موضوع چگونه در مسیر قانونی قرار می‌گیرد و شوراهای عالی که قانون‌گذار این حوزه هستند، کجا نقش‌آفرینی می‌کنند. اینها نکات ریزی است که نه‌تنها در ایران، بلکه فکر می‌کنم در دنیا کم‌نظیر است.

اینکه یک سند راهبردی تا این اندازه موضوع نهادی را جدی می‌گیرد و تا مرحله آخر پیش می‌رود، اهمیت دارد. اکنون ما در مرحله تدوین سیاست‌ها و احکام سیاستی این سند هستیم. این، نتیجه تدوین خود سند است.

این سند برای نخستین‌بار مجموعه‌ای از مسائل یا موضوعات را مطرح می‌کند. ما سعی می‌کنیم در گفت‌وگویی که شکل می‌گیرد، درباره بخشی از این مفاهیم و برنامه‌ها و چگونگی جای‌گرفتن آنها در سند صحبت کنیم. این موارد نیز برآمده از تجربه آزمون‌ها و شکست‌هایی است که در گذشته وجود داشته‌اند.

این سند در پایگاه «قوانین» وجود دارد. در بخش نخست آن، مجموعه‌ای از مفاهیم مطرح شده است که شاید برای نخستین‌بار به بخشی از آنها پرداخته شده باشد. یکی از موضوعاتی که اکنون می‌بینیم و شاید در برنامه هفتم نیز رد آن وجود داشته باشد، بحث مسکن استطاعت‌پذیر است. این سند به‌طور جدی این موضوع را مطرح کرد. در برنامه هفتم می‌بینید که ادبیات آن شکل گرفته و استطاعت‌پذیری و رسیدن به هفت سال و موارد دیگر در آن وجود دارد.

پیش‌نگری و پیشگیری از سند سال ۸۲ به‌عنوان یک سیاست مهم مطرح شد. این سند آن را در سطح برنامه مطرح کرد و گفت باید برنامه‌ای تهیه کنیم تا در سطح میانی و استانی نقش‌آفرینی آغاز شود و دیگر مانند گذشته، پس از پدیدآمدن مسئله با توانمندسازی با آن مواجه نشویم. باید پیشران‌ها و موضوعاتی را که ریشه در گسترش این مسئله دارند، در نظر بگیریم.

سیاست‌گذاری اجتماعی برای نخستین‌بار در پیوند با برنامه‌ریزی مطرح می‌شود. همان‌طور که می‌دانید، نظام برنامه‌ریزی در کشور ما بخشی است و شاید یکی از بحران‌ها و بسیاری از مسائلی که داریم، به‌دلیل مدل برنامه‌ریزی ما باشد. وزارت راه و شهرسازی برای کالبد و فضا تصمیم‌گیری می‌کند. وزارت تعاون نیز برای انسان یا نفر، که حالا شوربختانه خانوار هم نیست، در قالب دهک مسکن برنامه‌ریزی می‌کند.

اما این سند با ظرافت‌هایی، موضوع را در قالب تهیه بسته‌های سیاستی اجتماعی مکان‌محور در سطح استان مطرح می‌کند و پیش می‌برد. نهادسازی را تعریف می‌کند و مرحله اشتراک و هم‌پیوندی دستگاه‌ها و چگونگی پیوند یک برنامه با ساختارهای نهادی و رسیدن آن به مرحله اجرا را پیش می‌برد. در ادامه نیز در قالب جدول برنامه جامع اقدام مشترک برای آن برنامه‌ریزی می‌کند.

تا اینجا در این سند می‌دانیم این برنامه برای چه تهیه شده است، راهبر آن کدام دستگاه است، این دستگاه با همکاری چه نهادهایی قرار است کار را پیش ببرد و برنامه کجا باید به‌عنوان قانون، جای خود را در نظام برنامه‌ریزی شهری باز کند و در آن بنشیند. این واقعاً به ظرافت و طراحی مینیاتوری نیاز دارد. به نظر من، به همین دلیل این سند کم‌نظیر است و واقعاً جای آموختن دارد.

| ایرنا |

| خبر |

خودداری از سفرهای غیرضروری در مهرماه

مدیرعامل شرکت کنترل ترافیک شهر تهران با اشاره به آغاز سال تحصیلی جدید گفت: «در آغاز سال تحصیلی، مدارس به ظرفیت ترافیکی شهر اضافه می‌شوند و با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، ترافیک در این زمینه مدیریت می‌شود.» به گزارش «پیام ما»، اکبر اختیاری درباره تمهیدات مدیریت شهری پایتخت با نزدیک‌شدن به مهرماه و آغاز سال تحصیلی جدید، به ایسنا گفت: «مانند سال‌های قبل، شرکت کنترل ترافیک جلسات متعددی را برای ستاد مهر برگزار می‌کند.» او افزود: «سال‌هاست که ستاد مهر را برگزار می‌کنیم. در این ستاد، پیش از آغاز سال تحصیلی، مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌ها برای مدیریت ترافیک و تقاضایی که به شرایط موجود اضافه می‌شود، بررسی می‌کنیم.» مدیرعامل شرکت کنترل ترافیک شهر تهران ادامه داد: «این موضوع قطعاً طبق روال دوباره انجام می‌شود و جلسات آن از هم‌اکنون برگزار شده است تا بتوانیم با توجه به آغاز سال تحصیلی و تغییر ساعت ادارات، اقدامات لازم را انجام دهیم.» اختیاری با اشاره به اضافه‌شدن مدارس به ظرفیت ترافیکی شهر تهران گفت: «هم‌زمان مدارس نیز به این ظرفیت اضافه می‌شوند. سعی می‌کنیم با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، ترافیک را مدیریت کنیم.»

او در ادامه توصیه‌هایی نیز به شهروندان کرد و گفت: «ساعت‌های اوج ترافیک را اعلام می‌کنیم. این موضوع نیازمند همکاری چندجانبه در حوزه معاونت حمل‌ونقل و ترافیک است. براساس داده‌ها و ظرفیت‌های موجود، ساعت‌های اوج و غیر اوج را شناسایی می‌کنیم و به مردم پیشنهاد می‌دهیم که در این ساعت‌ها از سفرهای غیرضروری خودداری کنند. اگر سفر ضروری وجود نداشته باشد، مجموعه‌ای از تمهیدات مدیریتی نیز برای مدیریت این موضوع اجرا می‌شود.» اختیاری در پایان گفت: «قطعاً این اطلاعات به‌عنوان داده در اختیار همکاران پلیس راهور قرار می‌گیرد تا آنان نیز بتوانند اقدامات نظارتی خود را انجام دهند.»

نوبت اول
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک برازجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۹۶۸۷ ورای اصلاحی هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حجت رستم‌نژاد فرزند محمد بشماره شناسنامه ۳۵۱۰۲۲۱۷۴۵ صادره از دشتستان درششدانگ یک قطعه نخلستان به مساحت ۱۴۴۶۸/۵۳ مترمربع قسمتی از پلاک فرعی از ۷۴۷۳ اصلی واقع در اراضی روستای کمه زرد خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان - حمیدرضا باقرپور
شناسه آگهی: ۲۲۶۵۸۰۵

نوبت اول
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک برازجان
قوه قضائیه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۹۶۸۴ ورای اصلاحی ۱۴۰۴۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۲۲۵۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حجت رستم نژاد فرزند محمد بشماره شناسنامه ۳۵۱۰۲۲۱۷۴۵ صادره از برازجان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۴۲۱/۰۲ مترمربع قسمتی از پلاک فرعی از ۷۴۷۳ اصلی واقع در اراضی کمه زرد خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک برازجان - حمیدرضا باقرپور
شناسه آگهی: ۲۲۶۵۸۰۸

آگهی مفقودی
کلیه مدارک وانت زامیاد Z24NI مدل: ۱۳۹۸ رنگ: آبی به شماره موتور Z24810965Z و شماره شاسی NAZPL140TK0548492 با شماره پلاک ۸۲ ق ۹۶۳ ایران ۷۵ متعلق به آقای یاسر آذرکمال مفقود واز درجه اعتبار ساقط گردیده است.
عنبرآباد

آگهی مفقودی
برگ سبز سواری پژو 405SLX-TU5 مدل: ۱۳۹۳ رنگ: نقره‌ای به شماره موتور 164B0002957 و شماره شاسی NAAM31FC5EK873265 با شماره پلاک ۹۸ ط ۴۶۷ ایران ۳۵ متعلق به آقای احد علعباسی مفقود واز درجه اعتبار ساقط گردیده است.
رودبار جنوب

روزنامه پیام ما

www.payamema.ir

● دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۴۸۰

روزنامه سیاسی - اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتونیست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۴۲۲ ۷۱۰۵-۰۲۱

تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲

برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۶)

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴

ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

پیام ما دیروز

حاشیه

آیا کاغذسازی با چوب درخت متوقف می‌شود؟

در برنامه هفتم توسعه بر ممنوعیت بهره‌برداری چوبی از جنگل‌ها تأکید شده است و بر این اساس، صنایع تولید کاغذ و چوب باید در دوره اجرای این برنامه به‌سمت واردات، بازیافت و اقتصاد چرخشی حرکت کنند. «حمید ظهرابی»، معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، درباره مدت اجرای طرح تنفس جنگل‌ها و مشکلات صنایع داخلی تولید کاغذ در تأمین چوب گفت: «قانون برنامه هفتم توسعه در این زمینه تکلیف را مشخص کرده و در طول اجرای این برنامه، بهره‌برداری چوبی از جنگل‌ها ممنوع است. براساس ماده ۳۶ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مکلف به حفظ، احیا و توسعه جنگل‌ها در چارچوب مدیریت پایدار جنگل و جنگل‌داری نوین است و هرگونه بهره‌برداری چوبی از جنگل و برداشت درختان جنگلی ممنوع شده است.»

به گفته ظهرابی، صنایع وابسته به چوب و کاغذ نیز باید با توجه به این سیاست، تمرکز خود را بر تأمین مواد اولیه از طریق واردات، بازیافت و اقتصاد چرخشی قرار دهند: «این صنایع باید به‌سمت استفاده از مواد بازیافتی و سایر روش‌های تأمین پایدار مواد اولیه حرکت کنند؛ زیرا وقتی قانون برنامه هفتم بهره‌برداری چوبی از جنگل‌ها را ممنوع کرده، این ممنوعیت لازم‌الاجراست.»

براساس ماده ۳۶ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، «هرگونه بهره‌برداری چوبی از جنگل و برداشت درختان جنگلی ممنوع است». این قانون برای برداشت درختان ریشه‌کن، شکسته و افتاده ناشی از عوامل طبیعی، درختان آفت‌زده غیرقابل احیا و برخی درختان خطرساز، با تأیید سازمان منابع طبیعی، استثناهایی در نظر گرفته است. همچنین توسعه زراعت چوب و بهره‌برداری از جنگل‌های دست‌کاشت و درخت‌کاری‌های سنواتی، براساس طرح‌های مصوب، امکان‌پذیر است. | ایرنا

عکس: سمیرا سادات صدرنژاد-مهر

عکس نوشت

کنسرت «آنچه نگذشت...» به آهنگسازی و نوازندگی تار و سه‌تار علی قمصری، با همراهی گروه موسیقی حصار، ارکستر جوانان پارس‌زمین و گروه دف‌نوازان هویار، در تالار وحدت تهران روی صحنه رفت. قمصری که اجرای خود در تالار وحدت را به‌مدت یک هفته تمدید کرده است، در پیامی ویدیویی برای قدردانی از مردم گفت: «کدام کشور را در دنیا سراغ دارید که در میانه جنگ، گرانی، بلاتکلیفی و خشم، موسیقی ملی و غیرپاپ آن با چنین استقبالی مواجه شود؟ در ایران هنوز اولویت با فرهنگ است.»

نشست

شب سفرنامه فرنگ مظفرالدین‌شاه

نهصدوهفتادویکمین شب از سلسله شب‌های بخارا به رونمایی از کتاب «سفرنامه‌های مصور مظفرالدین‌شاه (سفر کنتِرکسِویل فرانسه)» اختصاص دارد. این کتاب به کوشش مهرداد اسکویی و علیرضا بهارلو، به‌تازگی از سوی نشر دانیار به مدیریت ساناز باغبان رحیمی منتشر شده است.

ماجرای این کتاب با کشف مجموعه‌ای از کارت‌پستال‌های مربوط به سفر مظفرالدین‌شاه به شهر کنتِرکسِویل فرانسه، از سوی مهرداد اسکویی، آغاز می‌شود. پس از آن، پژوهش درباره این اسناد و تصاویر با همکاری علیرضا بهارلو ادامه می‌یابد. این دو پژوهشگر در جریان بررسی‌های خود به گستره وسیع‌تری از موضوع سفرهای مظفرالدین‌شاه و اسناد تصویری آن دست می‌یابند. کتاب حاضر یکی از نتایج این پژوهش است که همچنان ادامه دارد.

«سفرنامه‌های مصور مظفرالدین‌شاه» ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد؛ از جمله انتشار عکس‌ها و کارت‌پستال‌های کم‌نظیر و ارزشمندی که بسیاری از آن‌ها برای نخستین‌بار در این کتاب منتشر شده‌اند. این مجموعه از خلال تصاویر و اسناد به‌جامانده، چشم‌اندازی تازه از سفرهای فرنگ مظفرالدین‌شاه و فضای فرهنگی و اجتماعی آن دوران به دست می‌دهد.

مراسم رونمایی از این کتاب ساعت پنج بعدازظهر سه‌شنبه، دهم شهریورماه، در شهر کتاب نیاوران (کارنامه) برگزار می‌شود.

در این مراسم، مهرداد اسکویی، افسانه کامران، کیانوش معتقدی، علیرضا بهارلو، ساناز باغبان رحیمی و علی دهباشی درباره وجوه گوناگون کتاب و زمینه‌های شکل‌گیری آن سخن می‌گویند.

گوشه دنیا

میانمار؛ سرزمین هزار چهره

| مریم لاوی |
| راهنمای گردشگری |

صبح، یانگون (Yangon) آرام‌آرام بیدار می‌شود. کنار خیابان، بخار کاسه‌های موهینگا (Mohinga)، که خیلی‌ها روزشان را با آن شروع می‌کنند، بالا می‌رود. زنی با لانگی (Longyi) رنگارنگ از پیاده‌رو می‌گذرد و روی صورتش نقش‌های زردرنگ تاناکا (Thanaka) نشسته است. آن‌سوتر، گنبد طلایی یک پاگودا (معبد بودایی) از میان ساختمان‌های شهر سر برآورده است. به میانمار خوش آمدید؛ کشوری که خیلی‌ها هنوز آن را با نام قدیمی‌ترش، برمه (Burma)، می‌شناسند. نام انگلیسی رسمی کشور در سال ۱۹۸۹ از برمه به میانمار تغییر کرد؛ تغییری که هنوز هم بار سیاسی و تاریخی خودش را دارد. اما برای شناخت این سرزمین، شاید در آغاز بهتر است ببینیم کجای آسیا ایستاده است.

میانمار در غرب با هند و بنگلادش همسایه است، در شمال و شرق به چین می‌رسد و در سوی دیگر، با لائوس و تایلند مرز مشترک دارد. جنوب و جنوب‌غربش هم به دریای آندامان و خلیج بنگال باز می‌شود. یعنی درست جایی نشسته است که راه‌های زمینی جنوب آسیا به چین می‌رسند و راه‌های آبی اقیانوس هند به سرزمین اصلی جنوب‌شرقی آسیا. همین موقعیت، این سرزمین را قرن‌ها در مسیر رفت‌وآمد بازرگانان، مهاجران، اندیشه‌ها و آیین‌ها قرار داده است؛ رد این رفت‌وآمدها را می‌شود در تنوع مردمش هم دید. بامرها (Bamar)، شان‌ها (Shan) و کارن‌ها (Karen)، تنها نمونه‌هایی از ۱۳۵ گروه قومی به‌رسمیت‌شناخته‌شده در کشورند که هرکدام بخشی از چهره امروز میانمار را می‌سازند.

شاید برای همین است که وقتی در تاریخش عقب می‌رویم، با یک فرهنگ یک‌دست روبه‌رو نمی‌شویم. پیش از آنکه پادشاهی پاگان و معابد بودایی‌اش چهره مشهور میانمار را بسازند، شهرهای باستانی پیو (Pyu Ancient Cities)، شامل هالین (Halin)، بیکتانو (Beikthano) و سری کسترا (Sri Ksetra)، در دشت‌های اطراف رود ایراوادی (Ayeyarwady) شکل گرفته بودند. این شهرهای باستانی، که امروز در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار دارند، بیش از هزار سال، از حدود ۲۰۰ پیش از میلاد تا سده نهم میلادی، پابرجا بودند. یونسکو این مجموعه را قدیمی‌ترین گواه شناخته‌شده ورود بودیسم به جنوب‌شرقی آسیا می‌داند؛ جایی که بودیسم از حدود دو هزار سال پیش در این شهرها جایگاهی پایدار پیدا کرد.

چند قرن بعد، باگان (Bagan) در کنار ایراوادی سر برآورد؛ شهری که در سده‌های یازدهم تا سیزدهم میلادی به مرکز یک امپراتوری تبدیل شد. امروز ۳۵۹۵ بنای تاریخی باقی‌مانده، از استوپاها و معابد تا صومعه‌ها، در این چشم‌انداز مقدس پراکنده‌اند و باگان را به یکی از دو اثر میراث جهانی میانمار تبدیل کرده‌اند.

اما میانمار را فقط از روی گذشته‌اش نمی‌شود شناخت. کاسه موهینگا، صبحانه محبوبش با ماهی و نودل، برگ‌های چای تخمیرشده در سالاد لاپت (Lahpet)، لانگی‌ای که مرد و زن می‌پوشند و تاناکایی که بر صورت کودکان و بزرگسالان می‌نشیند، بخشی از زندگی امروز این کشورند. جشن آب تینگ‌یان (Thingyan)، که در سال ۲۰۲۴ در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد، نمونه دیگری از همین فرهنگ زنده است.

میانمار امروز با حدود ۵۵ میلیون نفر جمعیت و مساحتی نزدیک به ۶۷۶ هزار کیلومترمربع، بزرگ‌ترین کشور سرزمین اصلی جنوب‌شرقی آسیاست. پایتختش نایپیداو (Naypyidaw) است و یانگون بزرگ‌ترین شهر آن.

اما شاید میانمار را نه با این عددها، که با همین هم‌نشینی‌ها بتوان شناخت؛ سرزمینی میان هند و چین، میان کوه و دریا، با فرهنگ‌های گوناگون و آیین‌های کهن؛ کشوری که هر گوشه‌اش راهی به داستان دیگری باز می‌کند.

در شماره بعد، به باگان می‌رویم؛ جایی که این داستان را می‌شود میان هزاران بنای بودایی، در دشت‌های پیرامون رود ایراوادی، از نزدیک دید.

میانمار کشوری است که خیلی‌ها هنوز آن را با نام قدیمی‌ترش برمه (Burma) می‌شناسند نام انگلیسی رسمی کشور در سال ۱۹۸۹ از برمه به میانمار تغییر کرد؛ تغییری که هنوز هم بار سیاسی و تاریخی خودش را دارد

AP

قفسه

آخرین کتابی که رئیس جمهوری خوانده، چه می‌گوید؟

«مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهوری، در گفت‌وگوی تلویزیونی اخیرش، در پاسخ به این پرسش که به‌غیر از قرآن و نهج‌البلاغه، کتاب دیگری هم مطالعه می‌کند یا خیر، گفت: «تا دلتان بخواهد. فکر می‌کنید حرف‌هایی که می‌زنم، فقط از همین منابع است؟»

او سپس در پاسخ به این پرسش که آخرین کتابی که مطالعه کرده چه بوده است، گفت: «آخرین، «فراجامعه» از یک نویسنده آمریکایی است. اصلاً مگر می‌شود نخواند؟ تجربه‌ها را، تاریخ‌ها را، فرهنگ‌ها را و مدیریت‌ها را. این حرف‌هایی که بنده می‌زنم، برایش شواهد علمی دارم و این‌طور نیست از خودم بگویم.»

کتاب «فراجامعه: چگونه ده‌هزار سال جنگیدن، انسان‌ها را وادار کرد که عالی‌ترین نوع همکاری را در کره زمین پیاده کنند»، اثر پیتر تورچین، نگاهی نوین به تاریخ تمدن انسانی ارائه می‌دهد.

تورچین، استاد علوم اجتماعی، در این اثر تلاش می‌کند با تحلیل‌های دقیق و مبتنی بر داده‌های تاریخی، تأثیر جنگ‌های طولانی‌مدت بر شکل‌گیری و توسعه جوامع بشری را روشن کند. نویسنده با بهره‌گیری از مدل‌های ریاضی و تحلیل‌های جامع نشان می‌دهد که جنگ‌ها نه‌تنها به‌عنوان عواملی مخرب، بلکه به‌عنوان موتورهای پیشرفت اجتماعی و سازمانی عمل کرده‌اند.

او استدلال می‌کند که فشارهای ناشی از جنگ‌های مداوم، انسان‌ها را وادار به ایجاد ساختارهای اجتماعی پیچیده‌تر و افزایش سطح همکاری گروهی کرده است. این همکاری‌ها در نهایت به ظهور جوامع بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر منجر شده‌اند؛ جوامعی که توانسته‌اند با چالش‌های متعدد مقابله کنند و به بقای خود ادامه دهند. تورچین با بررسی هزاران سال از تاریخ بشر، نمونه‌هایی از تمدن‌های مختلف را تحلیل می‌کند. او نشان می‌دهد جوامعی که در معرض فشارهای نظامی قرار داشته‌اند، تمایل بیشتری به توسعه نهادهای حکومتی قدرتمندتر و نظام‌های اقتصادی منظم‌تر نشان داده‌اند. این نهادها و نظام‌ها نیز امکان مدیریت بهتر منابع، توزیع عادلانه‌تر قدرت و افزایش کارایی در تولید و توزیع کالاها را فراهم کرده‌اند.

یکی از نکات کتاب، تأکید نویسنده بر نقش رهبری در جوامع جنگ‌زده است. تورچین بیان می‌کند که در شرایط جنگی، نیاز به رهبران توانمند و کارآمد افزایش می‌یابد و جوامع به‌دنبال افرادی می‌گردند که بتوانند در موقعیت‌های بحرانی، تصمیم‌های سریع و مؤثری بگیرند. این فرایند به انتخاب و تقویت رهبران قدرتمندتر کمک کرده و در نهایت به تثبیت نظم اجتماعی و افزایش همبستگی گروهی منجر شده است.

تورچین علاوه بر تحلیل‌های تاریخی، به تأثیرات فرهنگی و روان‌شناختی جنگ‌ها نیز پرداخته است. او معتقد است تجربه‌های مشترک جنگی، هویت‌های جمعی قدرتمندتر و احساس تعلق بیشتری در افراد ایجاد کرده‌اند. این احساس تعلق نیز انگیزه‌ای برای همکاری و هماهنگی بیشتر در سطح جامعه فراهم کرده است.

«فراجامعه» با نثری روان و قابل‌فهم، مفاهیم پیچیده علمی را به زبانی ساده و جذاب ارائه می‌دهد. تورچین از منابع گسترده تاریخی و داده‌های آماری بهره برده است تا استدلال‌های خود را مستند و مستدل کند. این کتاب با ترکیب تحلیل‌های علمی و روایت‌های تاریخی، تأثیر جنگ‌ها بر توسعه جوامع انسانی را به‌شکلی جامع بررسی می‌کند.

«فراجامعه» در ایران با دو ترجمه منتشر شده است: ترجمه محمود فرشته‌نژاد از سوی انتشارات علم و ترجمه محمد خسروانیان از سوی انتشارات تألیف. | ایسنا

اطلاع رسانی

اجرای طرح‌های مدیریت روان‌آب در کنارک با هدف تقویت سفره‌های زیرزمینی و حفاظت از پوشش گیاهی موجود

اداره امور بیابانِ اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری سیستان و بلوچستان همزمان با هفته دولت، عملیات مدیریت روان‌آب در منطقه «چگردان‌لاش» شهرستان کنارک را با اعتباری بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال به بهره‌برداری رساند.

این پروژه با حجم عملیات ۸۹ هزار و ۸۹۱ مترمکعب، یکی از طرح‌های کلیدی این اداره در حوزه مدیریت منابع آبی در مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی استان است. استراتژی محوری این پروژه، «جمع‌آوری و هدایت روان‌آب‌های سطحی از طریق احداث پشته‌های خاکی» است. این اقدام ضمن تسهیل نفوذ حداکثری آب به لایه‌های زیرین خاک و تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی، شرایطی پایدار را برای حفظ و تقویت پوشش گیاهی موجود فراهم می‌کند که در اولویت عملیاتی این اداره قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که احیای عرصه‌های مرتعی به‌عنوان نتیجه ثانویه و مکمل این رویکرد مدیریت آبی حاصل می‌شود.

این روش تخصصی که توسط اداره امور بیابان اجرا شده است، علاوه بر تثبیت خاک و مهار فرسایش آبی، با ایجاد فضای سبز و کمک به احیای اکوسیستم‌های طبیعی، نقش مؤثری در پایداری منطقه ایفا می‌کند. این طرح ۴۵ خانوار منطقه را تحت پوشش قرار داده و تأثیر قابل‌توجهی در مقابله با آثار خشکسالی و بهبود شرایط زیستی منطقه خواهد داشت.

روابط عمومی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان سیستان و بلوچستان